

ORIGINAL ARTICLE

The relationship between human hearing and her guidance from the perspective of the Holy Quran

Somayeh Abarghoie Podeh^{1*}, Zahra Sarfi²

1. PHD. Student of Qur'an and Hadith Sciences, Faculty of Theology, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Qur'an and Hadith Sciences, Faculty of Theology, Alzahra University, Tehran, Iran.

Correspondence:
Somayeh Abarghoie Podeh
Email: sabarghoie@gmail.com

Received: 24 Sep 2024
Accepted: 08 Jan 2025

How to cite

Abarghoie Podeh, S. & Sarfi, Z. (2025). The relationship between human hearing and her guidance from the perspective of the Holy Quran. *Journal of Qur'anic Interpretation and Language*, 14(1), 121-146.
(DOI: [10.30473/quran.2025.72352.3399](https://doi.org/10.30473/quran.2025.72352.3399))

ABSTRACT

This research, with the aim of elucidating the pivotal role of "Sama" (hearing) and "Masmu'at" (heard content) in the process of human guidance, presents a descriptive-analytical study of 163 verses in the Holy Quran containing the root "Sama'." The findings, compiled through content analysis and the extraction of 679 basic themes and 34 organizing themes, indicate that "Sama" is not merely a physiological act, but an intellectual faculty that profoundly influences a human's spiritual destiny, making them responsible and accountable for what they hear. Based on this, heard content ("Masmu'at") is categorized into two main groups: salvific Masmu'at and destructive Masmu'at. The first category includes revealed verses, divine commands, stories of past generations, and the cosmic glorification of creation. Attentively listening to these with intellect and reflection leads to an increase in knowledge and human guidance. Conversely, the second category comprises evil speech, rumors and slander, ignorant talk, carnal suggestions, and mockery of truth. Following these leads to deviation and misguidance. The analysis of the verses clarifies that the Holy Quran, by emphasizing the responsibility of intellectual faculties, calls upon humans to be vigilant and make conscious choices about what they hear. It recommends that they employ courtesy and precision when dealing with salvific Masmu'at and completely avoid destructive Masmu'at. This research concludes that from a Quranic perspective, "Sama" is a proactive and selective act that determines the trajectory of a human's journey toward either felicity or misery.

KEYWORDS

Content analysis, misguidance, hearsay, savior, guidance.



«مقاله پژوهشی»

رابطه مسموعات انسان و هدایت‌پذیری او از نگاه قرآن کریم

سمیه ابرقویی پوده^{۱*}، زهرا صرفی^۲

چکیده

این پژوهش با هدف تبیین نقش محوری «سَمْع» و «مسموعات» در فرآیند هدایت‌پذیری انسان، به تحلیل توصیفی-تحلیلی آیات مشتمل بر ماده «سَمْع» در قرآن کریم (۱۶۳ آیه) پرداخته است. یافته‌ها که بر اساس روش تحلیل محتوا و با استخراج ۶۷۹ مضمون پایه و ۳۴ مضمون سازمان‌دهنده تدوین شده‌اند، نشان می‌دهند که «سَمْع» صرفاً یک عمل فیزیولوژیک نیست، بلکه قوه‌ای ادراکی و مؤثر بر سرنوشت معنوی انسان است که او را در برابر مسموعات، مسئول و متعهد می‌سازد. بر این اساس، مسموعات به دو گروه اصلی تقسیم می‌شوند: مسموعات نجات‌بخش و مسموعات هلاک‌بخش. دسته نخست، شامل آیات و حیانی، فرامین الهی، اخبار گذشتگان و تسبیح تکوینی مخلوقات است که گوش سپردن به آن‌ها با تعقل و تدبیر، موجب رشد معرفت و هدایت انسان می‌شود. در مقابل، دسته دوم، شامل سخنان سوء، شایعه و تهمت، سخنان ناآگاهانه، القائات نفسانی و استهزاء حق است که تبعیت از آن‌ها انسان را به ضلالت و گمراهی می‌کشاند. تحلیل آیات روشن می‌سازد که قرآن کریم، با تأکید بر مسئولیت قوای ادراکی، انسان را به هوشیاری و گزینش آگاهانه در برابر شنیده‌های خود فرامی‌خواند و توصیه می‌کند در برابر مسموعات نجات‌بخش، از ادب و دقت بهره‌گیرد و از مسموعات هلاک‌بخش کاملاً دوری جوید. این پژوهش نتیجه می‌گیرد که از منظر قرآن، «سَمْع» عملی کنش‌گرایانه و انتخابی است که مسیر حرکت انسان را به سوی سعادت یا شقاوت تعیین می‌کند.

واژه‌های کلیدی

تحلیل محتوا، مسموعات، هدایت‌پذیری، ضلالت، نجات‌بخش، هلاک‌بخش.

۱. دانشجوی دکترای علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، علامه طباطبائی، تهران، ایران.
۲. استادیار، علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه الزهراء تهران، ایران.

نویسنده مسئول:

سمیه ابرقویی پوده

ایانامه: sabarghoie@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۱۹

استناد به این مقاله:

ابرقویی پوده، سمیه و صرفی، زهرا (۱۴۰۳).
رابطه مسموعات انسان و هدایت‌پذیری او از
نگاه قرآن کریم. پژوهشنامه تفسیر و زبان
قرآن، ۱۱۳(۱)، ۱۴۶-۱۲۱.

(DOI: 10.30473/quran.2025.72352.3399)

مقدمه

در پایان‌نامه «معناشناسی واژه سمع در قرآن و بازتاب آن در سیره معصومان(علیه‌السلام)» سعی شده است تا در کنار تبیین این واژه به ارتباط آن با تعقل پرداخته شود (محرمی، ۱۳۹۳). در پژوهشی دیگر با عنوان «معناشناسی سمع در قرآن کریم»، واژه سمع با روش معناشناسی مورد مطالعه قرار گرفته است (شرکت، ۱۳۹۰). وجه تمایز پژوهش حاضر آن است که با روش کیفی تحلیل محتوا و متمرکز بر مسئله مسموعات به مطالعه آیات سمع در قرآن کریم پرداخته است.

در ارتباط با مسئله مسموعات، آثار مجزایی در حیطه قرآنی کمتر یافت شده است و بیشتر پژوهش‌ها به صورت کلی به واژه «سمع» پرداخته‌اند. یکی از این پژوهش‌ها، مقاله «استعاره مفهومی سمع و اذن در آیات قرآن» (میرزابابایی، ۱۳۹۶) است که با تمرکز بر روش استعاره مفهومی، وجوه بلاغی و ادبی واژگان سمع و اذن را بررسی کرده است. در این پژوهش، نویسنده تلاش کرده تا معانی غیرحقیقی این واژگان را در قالب استعاره‌های مفهومی تبیین کند که رویکردی متفاوت با پژوهش حاضر است.

پایان‌نامه «زیبایی‌شناسی فواصل قرآنی سمع و بصر» (رجب‌شلگهی، ۱۳۹۵) نیز از منظر علم زیبایی‌شناسی، فواصل قرآنی مربوط به آیات سمع و بصر را تحلیل کرده است. این پژوهش بر جنبه‌های هنری و آوایی آیات تمرکز داشته و به ابعاد هدایتی و محتوایی مسموعات نپرداخته است. همچنین، در پایان‌نامه «معناشناسی واژه سمع در قرآن و بازتاب آن در سیره معصومان(علیه‌السلام)» (محرمی، ۱۳۹۳)، تلاش شده است تا با تبیین معنای واژه سمع، ارتباط آن با مفهوم تعقل در قرآن مورد بررسی قرار گیرد که این رویکرد نیز با تمرکز بر واژه و ارتباط مفهومی آن با تعقل، از پژوهش حاضر که بر مفهوم عام مسموعات و نقش آن در هدایت‌پذیری تأکید دارد، متمایز است. در پژوهشی دیگر با عنوان «معناشناسی سمع در قرآن کریم» (شرکت، ۱۳۹۰)، واژه سمع با روش معناشناسی مورد مطالعه قرار گرفته است که به دلیل تمرکز بر جنبه واژگانی، نتوانسته به ابعاد محتوایی و تأثیر مسموعات بر هدایت‌پذیری به صورت مستقل بپردازد.

وجه تمایز پژوهش حاضر آن است که با روش کیفی تحلیل مضمون و به صورت متمرکز بر مسئله مسموعات (به‌عنوان یک

خداوند متعال برای رسیدن انسان به فهم و علم، قوای ادراکی را در وجود او خلق کرده است. از میان این قوا، قوه ادراکی سمع از مهمترین ابزار حصول معرفت در انسان است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، افراد نابینا در کسب معرفت و علم از افراد ناتوان در شنیدن موفق‌ترند و این مسئله نشان‌دهنده اهمیت قوه سمع در انسان است.

با این حال، برای فهم دقیق نقش سمع در هدایت‌پذیری، باید میان گوش مادی و گوش جان تمایز قائل شد. گوش مادی ابزار فیزیکی شنوایی است که صرفاً امواج صوتی را دریافت می‌کند، اما گوش جان یا همان "سمع باطنی"، توانایی درک و پذیرش حقیقت ورای اصوات را دارد. در واقع، گوش جان است که شنیده‌ها را به قلب منتقل می‌کند تا مورد تدبر قرار گیرد و به معرفت تبدیل شود. به همین ترتیب، باید میان چشم سر و چشم دل نیز تمایز قائل شد؛ چشم سر صرفاً ابزار دیدن ظواهر است، درحالی‌که چشم دل، حقایق باطنی را مشاهده می‌کند.

سمع برترین حواس است زیرا تعلیم و تعلم و سخن گفتن موقوف بر آن است (نگری، ۱۹۷۵م، ج ۲، ص ۱۸۲). انسان به محض برخورداری از قوه سمع، همواره در معرض مسموعات قرار می‌گیرد. در دهه‌های اخیر، گسترش رسانه‌های اجتماعی دامنه مواجهه انسان با مسموعات را به نحو چشمگیری افزایش داده است. اما مسئله این است که آیا این مواجهه و شنیدن و گوش سپردن به این مسموعات در هدایت‌پذیری انسان نقش‌آفرین است؟ و آیا در این زمینه هیچ محدودیتی وجود ندارد؟ این پژوهش تلاش دارد تا در مواجهه‌ای جدید با آیاتی از قرآن که ماده سمع در آن به کار رفته است و با تکیه بر روش تحلیل محتوا، این مسئله را مورد بررسی قرار دهد.

در ارتباط با مساله مسموعات، آثار مجزایی در حیطه قرآنی یافت نشده است؛ اما آثار متعددی مسئله سمع را در قالب پایان‌نامه و مقاله موردتوجه قرار داده است. یکی از این پژوهش‌ها مقاله «استعاره مفهومی سمع و اذن در آیات قرآن» است که سمع و اذن با روش استعاره مفهومی در آیات قرآن تحلیل شده است (میرزابابایی، ۱۳۹۶). پایان‌نامه «زیبایی‌شناسی فواصل قرآنی سمع و بصر» (رجب‌شلگهی، ۱۳۹۵) از منظر علم زیبایی‌شناسی، آیات سمع و بصر را تحلیل کرده است. همچنین

فریاد ناشی از ارتعاشات نا منظم است اما صدا ناشی از ارتعاشات منظم خواهد بود. صداها نسبت به ارتفاع، شدت و کیفیت آن متفاوت است و ارتفاع صدا تابع تعداد ارتعاشات است. شدت آن تابع ضربات و کیفیت آن تابع تنوع ارتعاشات فرعی است که به ارتعاشات اصلی افزوده می‌شود (۱۳۶۶، ص ۳۹۸-۳۹۹). از نظر لغویان، آنچه به‌وسیله قوه سامعه شنیده شود مسموعات است و شامل اصوات و حروف خواهند بود. از نظر سجادی، سمع عبارت است از ادراک صوت و مسموع عبارت است از صوتی که قائم به هوا است، بنابراین قوه سامعه واسطه انتقال مسموعات است (سجادی، ۱۳۷۳، ج ۳، ص ۱۷۸۸).

در زبان فارسی مسموعات به امور قابل درک و فهم، شنوده‌ها، شنیده‌ها، مقابل مبصرات، ملموسات، مشمومات و مذوقات معنی می‌شود (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۳، ص ۲۰۸۹۹).

در مباحث نظری، فیلسوف و نظریه‌پرداز فرانسوی، ژاک صلیبا (Jacques Saliba)، در کتاب خود با عنوان «فرهنگ علوم فلسفی»، به تحلیل مسموعات از منظر علمی و فیزیکی پرداخته است. از نظر او، مسموعات به دو دسته اصلی تقسیم می‌شوند: فریاد و صدا. فریاد حاصل ارتعاشات نامنظم است، درحالی‌که صدا از ارتعاشات منظم به وجود می‌آید. وی در ادامه، صداها را از نظر ارتفاع، شدت و کیفیت متفاوت می‌داند و توضیح می‌دهد که:

- ارتفاع صدا تابع تعداد ارتعاشات.
- شدت صدا تابع ضربات.
- کیفیت صدا تابع تنوع ارتعاشات فرعی است که به ارتعاشات

اصلی افزوده می‌شود (صلیبا، ۱۳۶۶، ص ۳۹۸-۳۹۹).

این تقسیم‌بندی از منظر فیزیکی، نشان می‌دهد که مسموعات پدیده‌ای پیچیده هستند و تنها محدود به اصوات نیستند. در این میان، لغویان نیز بر این نکته تأکید دارند که آنچه به‌وسیله قوه سامعه شنیده می‌شود، شامل اصوات و حروف خواهد بود. این نگاه چندبعدی به مسموعات (هم از منظر فیزیکی و هم از منظر لغوی)، فهم ما را از پیچیدگی این پدیده و ارتباط آن با فرآیند دریافت آگاهی و هدایت در انسان عمق می‌بخشد.

برخی از محققان، «سمع» را به معنای ادراک صوت تعریف کرده‌اند و «مسموع» را به آن صوتی اطلاق می‌کنند که در هوا جریان دارد. بنابراین، قوه سامعه، واسطه‌ای برای انتقال مسموعات

مفهوم محوری) و ارتباط مستقیم آن با هدایت‌پذیری انسان، به مطالعه آیات سمع در قرآن کریم پرداخته است و به دسته‌بندی مضامینی پرداخته که به صورت مستقیم با موضوع مقاله مرتبط هستند.

۱. مفهوم‌شناسی مسموعات

سمع ریشه مسموع، به‌معنای حس شنوایی یا گوش تعریف شده است که صداها را درک می‌کند و فعل آن شنیدن است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۸، ص ۱۶۳؛ فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۳۴۹؛ راغب، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۲۵۷). سمع یکی از قوای ادراکی و واسطه انتقال شنیده‌ها است (سجادی، ۱۳۷۹، ص ۲۶۷). فراهیدی مسموع را با واژه «سَمْعَ به» تعبیر کرده است یعنی چیزی که بین مردم آشکار می‌شود (۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۳۴۹). شنیدن چیزی یعنی درخواست و متمایل کردن گوش به جهت شنیدن و درک کردن آن (عسگری، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۸۹). مسموع شنیدنی است که توسط آن علم حاصل می‌شود (ابن فارس، ۱۳۹۹، ج ۱، ص ۷۵).

واژه «سمع»، ریشه «مسموع»، در لغت به‌معنای حس شنوایی یا گوش است که ابزار درک صداها و اصوات محسوب می‌شود (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۸، ص ۱۶۳؛ فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۳۴۹؛ راغب، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۲۵۷). از همین رو، «سمع» یکی از قوای ادراکی بنیادین انسان و واسطه‌ای برای انتقال شنیده‌ها و حصول معرفت است (سجادی، ۱۳۷۹، ص ۲۶۷). بررسی معنایی این واژه در منابع لغت نشان می‌دهد که «مسموع» به چیزی اطلاق می‌شود که قابلیت شنیده شدن دارد. فراهیدی «سَمْعَ به» را به معنای آشکار شدن چیزی بین مردم تعبیر کرده است (۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۳۴۹). همچنین، شنیدن یک فعل ارادی است که به معنای تمایل و روی آوردن گوش برای درک و فهم چیزی است (عسگری، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۸۹). به عبارت دیگر، «مسموع» صرفاً یک پدیده صوتی نیست، بلکه به آن چیزی گفته می‌شود که با دریافت آن، علم و آگاهی حاصل می‌گردد (ابن فارس، ۱۳۹۹، ج ۱، ص ۷۵). این تعاریف نشان می‌دهند که «مسموع» در نگاه لغوی، مفهومی فراتر از صرفاً یک صدا دارد و با فرآیند آگاهی و معرفت ارتباط تنگاتنگی دارد.

از نظر صلیبا، مسموعات بر دو نوع است: فریاد و صدا، که

این پژوهش با رویکردی کیفی و با استفاده از تحلیل مضمون که یکی از روش‌های تحلیل محتوا به شمار می‌رود، انجام شده است. تحلیل محتوا، یک تکنیک پژوهشی است که برای استخراج استنباط‌های معتبر و تکرارپذیر از داده‌ها به کار می‌رود و هدف آن، سازماندهی و تفسیر عینی و نظام‌مند متون است (کرپیندروف، ۱۳۸۷، ص ۲۵؛ بارلسون، ۱۹۵۲، ص ۳۵). از آنجا که این روش به پژوهشگر امکان کشف لایه‌های معنایی عمیق متن را می‌دهد، ابزاری مناسب برای تحلیل آیات قرآن کریم محسوب می‌شود.

برای دستیابی به مسموعات نجات‌بخش و هلاک‌بخش، مراحل زیر در این پژوهش طی شد:

۱. گردآوری داده‌ها: ابتدا تمامی آیات مشتمل بر واژه «سمع» و مشتقات آن (۱۶۳ آیه) از قرآن کریم استخراج گردید.
۲. انس با آیات: به منظور آشنایی کامل با محتوای آیات، مرور مکرر آن‌ها انجام شد.

۳. تحلیل مضمونی: کلیه آیات در قالب یک جدول در نرم‌افزار اکسل تفکیک و تحلیل شدند. این جدول شامل ستون‌های «مضامین فراگیر»، «مضامین سازمان‌دهنده» و «مضامین پایه» بود.

• مضامین پایه: در این مرحله، با بررسی دقیق عناصر تشکیل‌دهنده هر آیه و با تکیه بر سیاق آن، مضامین کلیدی استخراج شدند.

• مضامین سازمان‌دهنده: سپس، مضامین پایه براساس محتوای مرتبط، گروه‌بندی شدند تا مضامین سازمان‌دهنده به دست آید.

• مضامین فراگیر: در نهایت، با ترکیب مضامین سازمان‌دهنده، مضامین فراگیر که بیانگر ایده‌های اصلی و کلیدی هستند، تعیین شدند.

در مرحله بعد، تحلیل کیفی مضامین مستخرج از آیات انجام شد و بخشی از این یافته‌ها که به مسئله مسموعات و نقش آن در هدایت انسان مربوط است، در این مقاله ارائه شده است.

به حساب می‌آید (سجادی، ۱۳۷۳، ج ۳، ص ۱۷۸۸). این تعریف، بر جنبه فیزیکی و مکانیکی شنوایی تأکید دارد.

در زبان فارسی، مسموعات به امور قابل‌درک و فهم، شنوده‌ها و شنیدنی‌ها معنی می‌شود و در مقابل مفاهیمی چون «مبصرات»، «ملموسات»، «مشمومات» و «مذوقات» قرار می‌گیرد که هر یک مربوط به یکی از حواس پنج‌گانه است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۳، ص ۲۰۸۹۹). این تعاریف نشان می‌دهند که مسموعات در زبان فارسی، صرفاً محدود به اصوات نیستند و به هر چیزی که از طریق گوش دریافت شود، اطلاق می‌گردد.

۲. روش تحقیق

تحلیل محتوا تکنیکی پژوهشی است برای استنباط تکرارپذیر و معتبر از داده‌ها در مورد متن آن‌ها. تحلیل محتوا به مثابه‌ی تکنیکی پژوهشی، شامل شیوه‌های تخصصی در پردازش داده‌های علمی است. هدف تحلیل، مانند همه تکنیک‌های پژوهشی، فراهم آوردن شناخت، بینشی نو، تصویر واقعیت و راهنمای عمل است. تحلیل محتوا فقط، ابزار است و بس (کرپیندروف، ۱۳۸۷، ص ۲۵). برلسون معتقد است تحلیل محتوا از فنون تحقیق است که برای توصیف عینی، منظم و کمی مطالب به کار می‌رود و هدف آن تفسیر است (باردن، ۱۳۷۵م، ص ۳۵). تحلیل محتوا، روشی مناسب برای کشف لایه‌های درونی آیات است.

برای دستیابی به مسموعات نجات‌بخش و هلاک‌بخش، ابتدا تمامی آیات دارای واژه سمع استخراج شد. سپس به‌منظور انس با آیات، مرور مکرر انجام شد و کلیه آیات در قالب جدولی در نرم‌افزار اکسل از یکدیگر تفکیک شد و جدول تحلیل آیات سمع ترسیم شد. این جدول شامل ستون‌های مضامین فراگیر، مضامین سازمان‌دهنده، مضامین پایه و کد است. نخست مضامین پایه با بررسی کامل تشکیل‌دهنده متن آیه با تکیه بر سیاق، استخراج شد. با بررسی کامل محتوای هر متن، مضامین سازمان‌دهنده به دست آمد و در نهایت مضمون فراگیر تعیین شد. در مرحله بعد، تحلیل کیفی مضامین مستخرج از آیات انجام شد و بخشی از این یافته‌ها که اختصاص به مسموعات دارد در مقاله حاضر گزارش شده است.

جدول ۱. تحلیل محتوای آیات سمع

ردیف	متن آیه	مضامین فراگیر	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه	کد
				امر به شنیدن و دل سپردن به دعوت الهی اطاعت از فرمان الهی: نتیجه و نمود بیرونی شنیدن.	S41
				مقدم شدن امر به تقوا بر شنیدن دعوت الهی مقدمات هدایت: شنیدن (امر الهی) و عمل به آن.	S42
۱	فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَئِن لَّمْ تَفْعَلُوا لَأَنتُمْ كَمَا كُنْتُمْ عَمَلًا لَّيِّنًا	انسان	مسموعات نجات‌بخش عوامل عمل‌گرایانه در مسیر هدایت	عوامل فلاح: تقوا، شنیدن فرمان الهی، اطاعت کردن از فرمان الهی، انفاق کردن در راه اجرای فرمان الهی، پرهیز از بخل در راه خدا انفاق: نمودی از تقوا و اطاعت. پرهیز از بخل: عملی در راستای فلاح. هدایت: فلاح و رستگاری: هدف نهایی و نتیجه اعمال.	S43
				منافقون ظاهر آراسته با سخنانی مخاطب‌پذیر	S44
۲	لَا تَقُولُوا لِمَا كُنَّا لَا نَدْعُهُمْ قَاتِلِيهِمْ فَاتَّخِذُوا مَنَاقِفًا	انسان	مسموعات هلاک‌بخش عوامل عمل‌گرایانه در مسیر هدایت	بیان اقوال مخاطب‌پسند؛ اما بی‌محتوا و پشتوانه فکری از جانب منافقان برخذر داشتن از گوش سپردن و پذیرفتن سخنان منافقان به جهت نفاق در اقوال ایشان لزوم مراقبت و دقت در مسموعات	S45 S46 S47
				لزوم بیان ادعای استماع اخبار صحیح همراه با برهان آشکار ابطال ادعاهای بی‌اساس	S61
				عدم‌پذیرش ادعای استماع اخبار صحیح بدون برهان آشکار نفی ادعا: به دلیل عدم ارائه برهان، ادعای آن‌ها از اساس بی‌اعتبار است.	S62
۳	لَا تَقُولُوا لِمَا كُنَّا لَا نَدْعُهُمْ قَاتِلِيهِمْ فَاتَّخِذُوا مَنَاقِفًا	انسان	مسموعات نجات‌بخش عوامل عمل‌گرایانه در مسیر هدایت و یا نقش برهان	دعوت به گفت‌و شنود (مباحثه و مجادله) همراه با ادله چالش با مدعیان دروغین: دعای مشرکان مبنی بر شنیدن اخبار غیبی را به چالش می‌کشد. نفی ادعای منکران قرآن به جهت بی‌اساس بودن آن نقش برهان: خداوند از آن‌ها درخواست دلیل و برهان قاطع (سَلْطَانَ مُبِينٍ) می‌کند.	S63 S64
				گوش سپردن و درخواست حجت و برهان از صاحب ادعا	S65
				عدم‌اعتبار مسموعات بی‌اساس	S66

۳. نتایج تحلیل کمی

۴۹٪، بیشترین بسامد را در مضامین مربوط به مقوله فراگیر سمع انسان به خود اختصاص داده است. بسامد مسموعات نجات‌بخش در این مقوله بیشترین فراوانی را در مقایسه با مسموعات هلاک‌بخش دارد. در نمودار (۱) فراوانی این مضامین قابل مشاهده است.

تحلیل محتوای کمی به معنای تعیین بسامد و فراوانی مضامین متن است و تحلیل کمی مقدمه و پایه ورود محقق به مرحله تحلیل کیفی است و در واقع تعیین‌کننده نقطه شروع و ادامه مسیر تحلیل کیفی و جمع‌آوری اطلاعات برای پاسخگویی به سؤالات پژوهش است.

براساس یافته‌های حاصل از پژوهش، مسموعات با فراوانی

علت تکبر و عناد مانند کسانی هستند که گویا کلام خداوند را نشنیده‌اند، در حقیقت تکبر آنان و اصرار بر لجاجتشان عاملی برای نشنیدن و در واقع ترتیب اثر ندادن به کلام حق است.

از ویژگی‌های مؤمنین، گوش سپردن به آیات قرآن و اطاعت از فرامین الهی و دستورات پیامبر (صلی‌الله‌وعلیه‌وآله) است: (إِلَّا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا يٰٓأَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْمَعُونَ) (انفال: ۸/۲۰)؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا و رسول را اطاعت کنید و از او سرنیچید درحالی که شما (سخنان حق را) می‌شنوید». در آیات مختلفی از قرآن، پس از امر به اطاعت از خدا، به لزوم اطاعت از رسول او اشاره شده است و در سوره شعراء این را لازمه تقوای الهی دانسته است: (وَطِيعُوا

و طيعوا) (شعراء: ۱۲۶/۱۲۶)؛ «پس از خدا بترسید و راه اطاعت من پیش گیرید» و در آیه‌ای دیگر امر به تقوای الهی را بر شنیدن از او مقدم داشته است: (فَاتَّقُوا ۞ مَا اسْتَضَعْتُمْ وَ اسْمَعُوا وَ أَطِيعُوا وَ أَنْفِقُوا خَيْرًا لِأَنْفُسِكُمْ وَ مَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ ۞ فَلَاحُوا ۞) (تغابن: ۱۶/۶۴)؛ «پس تا بتوانید خدا ترس و پرهیزکار باشید و (سخن حق) بشنوید و اطاعت کنید و از مال خود برای (ذخیره آخرت) خویش (به فقیران) انفاق کنید. و کسانی که از خوی لثامت و بخل نفس خود محفوظ مانند آن‌ها به حقیقت رستگاران عالم‌اند.»

اینکه می‌فرماید (وَأَنْتُمْ تَسْمَعُونَ)؛ یعنی تا زمانی که امر و حکم نبی به شما ابلاغ نشده است و نشنیده‌اید، معذورید؛ اما به محض آنکه شنیدید و علم حاصل شد باید اطاعت کنید و فرمان او را اجرا کنید؛ بنابراین شنیدن فرمان خدا و رسول او یا کلام حق، مسئولیت‌آوراست و الزام و تعهد را به دنبال می‌آورد. از این‌رو انتظار می‌رود با ابلاغ آیات الهی به مؤمنان و پس از اینکه ایشان کلام حق را شنیدند، به آن جامه عمل بپوشانند؛ اما در میان مؤمنان کسانی بودند که ایمان ایشان ظاهری بود و دل در گرو خدا و رسول او نداشتند؛ لذا شنیدن آیات قرآن کریم یا ابلاغ دستورات الهی به ایشان، اثری بر ایشان نداشت. از این‌رو قرآن کریم ادعای ایشان مبنی بر شنیدن کلام الهی را نفی می‌کند و بر این مسئله تأکید می‌کند که شنیدن بدون اثربخشی، مانند نشنیدن است: (وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ قَالُوا سَمِعْنَا وَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ) (انفال: ۲۱/۸)؛ «و شما مؤمنان چون کسانی (منافقان) نباشید که گفتند شنیدیم، و به حقیقت نمی‌شنوند.»؛ پس این آیه چگونگی شنیدن مؤثر را بیان می‌کند و به روشنی بیان می‌دارد که چه بسیار شنیدن‌هایی که مصداق نشنیدن است.

ضاللت هستند. این تقسیم‌بندی براساس ماهیت و تأثیری که هر نوع مسموع بر قلب و عمل انسان می‌گذارد، صورت گرفته است. از این‌رو، قرآن همواره دستورالعمل‌هایی را برای سعادت و رستگاری انسان ارائه می‌دهد که اطاعت و فرمانبرداری از آن‌ها، به نجات انسان منجر می‌شود.

این مسئله در روایات نیز مورد تأکید قرار گرفته است. امام علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «عَوَدُ أَدْنَكَ حُسْنَ الْاسْتِمَاعِ، وَ لَا تُصْغِ إِلَىٰ مَا لَا يَزِيدُ فِي صَلَاحِكَ اسْتِمَاعُهُ» (آمدی، ۱۳۷۵ق، ۶۲۳۴؛ ری‌شهری، ۱۳۷۷، ج ۸، ص ۳۰۱)؛ یعنی «گوش خود را به خوب شنیدن عادت بده و به سخنانی که شنیدنشان بر اصلاح و پاکی تو چیزی نمی‌افزاید، گوش فرامده». این روایت به صراحت بر اهمیت تفکیک مسموعات تأکید دارد و انسان را به دقت در ورودی‌های گوش خود فرامی‌خواند.

مضامین آیات مسموعات نجات‌بخش در دو دسته کلی قابل بررسی است:

۱. اقسام مسموعات نجات‌بخش: این دسته به موضوعاتی اشاره دارد که شنیدن آن‌ها برای هدایت انسان ضروری است، از جمله:
 - آیات قرآن کریم، فرامین الهی و دستورات پیامبران.
 - اخبار و سرگذشت‌های عبرت‌آموز گذشتگان.
 - تسبیح مخلوقات که نشان از عظمت و خالقیت خداوند دارد.
 - سخنان مبتنی بر عقل، برهان و منطق.
۲. ادب شنیدن مسموعات نجات‌بخش: این دسته به بایدها و نیایدهای رفتاری انسان در مواجهه با مسموعات اشاره دارد. به عنوان نمونه، در قرآن بر «حس استماع» و «انصات» در شنیدن آیات الهی تأکید شده است.

۵-۱. آیات قرآن کریم، فرامین الهی و سخنان پیامبران

خداوند متعال به انسان سفارش می‌کند که به آیات الهی و دستورات انبیاء گوش فرا دهد و از این دستورات اطاعت کند. گوش سپردن با شنیدن متفاوت است، ممکن است کسی مطلبی را بشنود، اما در او تأثیر نگذارد و آن را نپذیرد: (يَسْمَعُ آيَاتِ اللَّهِ تُتْلَىٰ عَلَيْهِ ثُمَّ يُصِرُّ مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا فَبَشْرَهُ عَذَابٍ أَلِيمٍ) (جاثیه: ۸/۴۵)؛ «آیات خدا را که بر او تلاوت می‌شود شنیده و بر تکبر و طغیان اصرار می‌کند چنانکه گویی هیچ آیات را نشنیده است، چنین کسانی را به عذاب دردناک بشارت ده.» در این آیه به کسانی اشاره شده است که آیات قرآن را می‌شنوند، ولی به

از طرف دیگر طبق آیه: **(مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ ذِكْرِ مِنْ رَبِّهِمْ مُحَدَّثٍ إِلَّا اسْتَمَعُوهُ وَ هُمْ يَلْعَبُونَ)** (انبیاء: ۲/۲۱)؛ «این مردم غافل را هیچ پند و موعظه تازه‌ای از جانب پروردگارشان نیاید جز آنکه آن پند را شنیده و باز به بازی دنیا و لهو و لعب عمر می‌گذرانند»، شنیدن ذکر الهی در حال غفلت و سرگرمی از موانع شنیدن اثرگذار است. غفلت و بی‌توجهی به کلام همچون نشنیدن سخن است و سبب بی‌اثر شدن مسموع و مانع تعقل در تذکرات پروردگار خواهد شد. بنابراین شنیدنی مؤثر است که به دور از غفلت و همراه با توجه باشد.

توجه به این نکته هم لازم است که گوش سپردن به برخی از مسموعات از جمله مسموعات لهوی و موسیقی‌های حرام، غفلت‌آور است. انسان عاقل از مسموعات غفلت‌آور پرهیز می‌کند و از گوش دادن به موسیقی‌های حرام و آهنگ‌های مبتذل خودداری خواهد کرد. همچنین به‌جز موسیقی باید از سایر مسموعات حرام برحذر بود (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۲۸).

۵-۲. آیات قرآن کریم، فرامین الهی و سخنان پیامبران

تحلیل مضمونی آیات، نشان می‌دهد که قرآن کریم با نگاهی فراتر از یک تقسیم‌بندی ساده به موضوع مسموعات پرداخته است. یافته‌های این پژوهش، علاوه بر دسته‌بندی مسموعات به نجات‌بخش و هلاک‌بخش، مکانیزم و شرایط تأثیر هریک بر هدایت‌پذیری انسان را نیز تبیین می‌کند. این تحلیل کیفی نشان می‌دهد که تأثیر مسموعات، رابطه‌ای تنگاتنگ با اختیار، نیت و کیفیت عمل انسان دارد و تنها به ماهیت صدا یا سخن محدود نمی‌شود.

برای مثال، قرآن کریم، شنیدن را از گوش سپردن متمایز می‌کند. ممکن است کسی مطلبی را بشنود، اما به دلیل موانع درونی مانند تکبر، آن را نپذیرد و در نتیجه هیچ اثری بر او نگذارد: **(يَسْمَعُ آيَاتِ اللَّهِ تُتْلَى عَلَيْهِ ثُمَّ يُصِرُّ مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا فَبَشِيرُهُ عَذَابٍ أَلِيمٍ)** (جاثیه: ۸/۴۵)؛ «آیات خدا را که بر او تلاوت می‌شود شنیده و بر تکبر و طغیان اصرار می‌کند چنانکه گویی هیچ آيات را نشنیده است، چنین کسانی را به عذاب دردناک بشارت ده.»

در این آیه، تحلیل مضمون نشان می‌دهد که تکبر و اصرار بر لجاجت، عواملی هستند که مانع از تأثیرگذاری کلام حق می‌شوند. این کشف، فراتر از یک تقسیم‌بندی ساده است و به یک مضمون سازمان‌دهنده کلیدی، یعنی «موانع درونی تأثیر مسموعات»، اشاره دارد که از طریق تحلیل مضمونی این آیه به دست آمده است.

چنین افرادی چون خود اراده‌ای بر شنیدن ندارند، نمی‌توان ایشان را واردار به شنیدن نمود. حکایت این مسئله، حکایت بیدار کردن فردی است که خود را به خواب زده است که خوابیده را می‌توان بیدار کرد؛ اما خواب‌زده را نمی‌توان بیدار کرد: **(وَمَا يَسْتَوِي الْأَحْيَاءُ وَلَا الْأَمْوَاتُ إِنَّ اللَّهَ يُسْمِعُ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ أَنْتَ بِمُسْمِعٍ نَبِيٍّ بَلْ أَنْتَ مَكِينٌ)** (فاطر: ۳۵/۲۲)؛ «و ابدأ زندگان (علم و ایمان) با مردگان (جهل و عصیان) برابر نیستند. (ای رسول بدان که) خدا هر که را بخواهد شنوایی (کلام حق) سازد و اما تو آن کس را که در گورستان (کفر و جهالت و شهوت‌پرستی) فرورفته هرگز شنوایی نتوانی کرد.» در این آیه، خداوند متعال کافران و اهل ایمان را مقایسه می‌کند، کسانی که کلام الهی را نشنیده‌اند، شبیه مردگانی هستند که قوای ادراکی از آنان سلب شده و در مقابل گروهی شنوای کلام حق و زندگانی که قادر به تشخیص میان حق و باطل هستند. خداوند به پیامبرش می‌فرماید تو هرگز اهل قبور را نمی‌توانی شنوایی کنی. این بیان اشاره به نابودی و ضلالت بی‌نهایت این افراد دارد که حتی فرستاده خداوند نیز از هدایت اینان ناتوان است. حضرت باری تعالی در قرآن کریم، یکی از راه‌های سعادت انسان را شنیدن و گوش سپردن به آیات قرآن، دستورات الهی و پیامبران ذکر کرده است.

کسی که به خداوند کفر می‌ورزد و دل در گرو هوا و هوس خودش می‌نهد را نمی‌توان به پذیرش حق واردار کرد؛ زیرا او به حق گوش نمی‌سپارد و اهل فکر و تعقل نیست تا چیزی را بفهمد: **(أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ إِنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا)** (فرقان: ۲۵/۴۴)؛ «یا پنداری که اکثر این کافران حرفی می‌شنوند یا فکر و تعقلی دارند؟ اینان (در بی‌عقلی) بس مانند چهارپایان‌اند بلکه (نادان‌تر و) گمراه‌ترند.» از این رو گوش سپردن به آیات قرآن و تعقل در آن‌ها از جمله عوامل هدایت در انسان است. بر همین اساس است که می‌فرماید: **(وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ)** (اعراف: ۷/۲۰۴)؛ «و چون قرآن قرائت شود همه گوش بدان فرادهید و سکوت کنید، باشد که مورد لطف و رحمت حق شوید.» این آیه بیان ادب گوش دادن هنگام تلاوت قرآن است. این گوش سپردن به قرائت قرآن همراه با سکوت و توجه، سبب رحمت الهی خواهد شد. از نگاه برخی تفاسیر منظور از سکوت و شنیدن در این آیه، شنیدن با ایمان و تصدیق و سکوت با نفی خواطر و معارضات است تا قلب، کلام حق را تصدیق نماید و بپذیرد (قشیری، بی‌تا، ج ۱، ص ۶۰۰).

غفلت و سرگرمی نیز از موانع کلیدی به شمار می‌رود: (مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ ذِكْرٍ مِنْ رَبِّهِمْ مُحَدَّثٍ إِلَّا اسْتَمَعُوهُ وَ هُمْ يَلْعَبُونَ) (انبیاء: ۲/۲۱)؛ «این مردم غافل را هیچ پند و موعظه تازه‌ای از جانب پروردگارشان نیاید جز آنکه آن پند را شنیده و باز به بازی دنیا و لهو و لعب عمر می‌گذرانند.»

علاوه بر این، قرآن به بی‌اثر بودن شنیدن بدون تعقل و فکر نیز اشاره کرده و کسانی را که فاقد این ویژگی هستند، از حیوانات نیز گمراه‌تر می‌داند: (أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ إِنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا) (فرقان: ۲۵/۴۴)؛ «یا پنداری که اکثر این کافران حرفی می‌شنوند یا فکر و تعقلی دارند؟ اینان (در بی‌عقلی) بس مانند چهارپایان‌اند بلکه (نادان‌تر و) گمراه‌ترند.»

بر همین اساس، شنیدنی مؤثر است که به دور از غفلت و همراه با توجه و تعقل باشد. قرآن کریم این موضوع را با بیان ادب شنیدن نیز کامل می‌کند: (وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ) (اعراف: ۷/۲۰۴)؛ «و چون قرآن قرائت شود همه گوش بدان فرادهید و سکوت کنید، باشد که مورد لطف و رحمت حق شوید.»

این آیه، استماع (گوش سپردن) و انصات (سکوت و توجه) را به عنوان شرایط اصلی برای کسب رحمت الهی در هنگام شنیدن آیات برمی‌شمرد و به وضوح نشان می‌دهد که تأثیر مسموعات، وابسته به حال درونی و آمادگی پذیرش مخاطب است.

۳-۵. اخبار گذشتگان

همواره در طول تاریخ، مطالعه‌ی آثار گذشتگان و بررسی اقوام پیشین به انسان، بصیرت و آگاهی داده است. همچنین تفحص در این مسائل شور و اشتیاق لازم در انسان را برای حرکت عاقبت‌اندیشانه در مسیر زندگی به وجود خواهد آورد که سبب دانش و عبرت او خواهد شد.

قرآن کریم نیز شنیدن و گوش سپردن به سرگذشت گذشتگان و اخبار آنان و تعقل در آن‌ها را در پندپذیری و عاقبت‌به‌خیری افراد مؤثر دانسته است. در سوره‌ی ق آیات ۳۶ و ۳۷، به مطالعه در تاریخ گذشتگان و عبرت‌پذیری از آن سفارش شده است. به هنگام واگاو و مطالعه اخبار گذشتگان، تعقل و تدبیر لازم است. قلب بیدار، گوش شنوا و عقل عبرت‌پذیر لازم است: (وَ كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْنٍ هُمْ أَشَدُّ مِنْهُمْ بَطْشًا فَنَقَّبُوا فِي الْبِلَادِ هَلْ مِنْ مَحِيصٍ (ق: ۳۶) إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرٍ لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ

همچنین، یافته‌ها نشان می‌دهد که قرآن، اطاعت از مسموعات نجات‌بخش را شرط رستگاری می‌داند. از ویژگی‌های مؤمنان، گوش سپردن به آیات الهی و اطاعت از فرامین پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) است. قرآن در سوره انفال می‌فرماید: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَوَلَّوْا اللَّهَ سُلُوكًا تَسْمَعُونَ) (انفال: ۲۰/۸)؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا و رسول را اطاعت کنید و از او سرنیچید درحالی که شما (سخنان حق را) می‌شنوید.»

تحلیل مضمونی این آیه، ارتباط مستقیم «شنیدن» با «اطاعت» را به عنوان یک مضمون فراگیر در مسیر هدایت آشکار می‌سازد. در این آیه، شنیدن صرف کفایت نمی‌کند، بلکه باید به عمل و اطاعت منجر شود. این پیوند بین مسموعات و عمل صالح، از مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش است.

در آیه‌ای دیگر، قرآن کریم بر ترتیب و تقدم شنیدن و اطاعت تأکید دارد: (فَاقْبَلُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ وَاسْمَعُوا وَاطِيعُوا وَانْفِقُوا خَيْرًا لِنَفْسِكُمْ) (تغابن: ۱۶/۶۴)؛ «پس تا می‌توانید خدا ترس و پرهیزکار باشید و (سخن حق) بشنوید و اطاعت کنید و از مال خود انفاق نمایید.»

این آیه، مراحل رسیدن به رستگاری را به صورت یک فرآیند ترسیم می‌کند که در آن، شنیدن و اطاعت، در کنار تقوا و انفاق، جایگاهی محوری دارند. این فرآیند چندمرحله‌ای، که با تحلیل مضمون قابل شناسایی است، نشان می‌دهد که قرآن به «شنیدن» به عنوان یک مقدمه عمل صالح می‌نگرد و تأثیر آن بر هدایت را صرفاً در یک تقسیم‌بندی ساده محدود نمی‌کند.

تحلیل موانع شنیدن مؤثر

چنین افرادی که خود اراده‌ای بر شنیدن ندارند، مانند کسانی هستند که خود را به خواب زده‌اند و نمی‌توان آن‌ها را به پذیرش حق وادار کرد. قرآن کریم در سوره فاطر، این افراد را به مردگان تشبیه می‌کند: (وَمَا يَسْتَوِي الْأَحْيَاءُ وَلَا الْأَمْواتُ إِنَّ اللَّهَ يُسْمِعُ مَنْ يَشَاءُ وَمَا أَنْتَ بِمُسْمِعٍ مَنْ فِي الْقُبُورِ) (فاطر: ۳۵/۲۲)؛ «و ابدأً زندگان (علم و ایمان) با مردگان (جهل و عصبان) برابر نیستند. (ای رسول بدان که) خدا هر که را بخواهد شنوا (ی کلام حق) سازد و اما تو آن کس را که در گورستان (کفر و جهالت و شهوت‌پرستی) فرورفته هرگز شنوا نتوانی کرد.»

در این آیه، جهل و کفر به مثابه مرگ معنوی و دفن در قبور توصیف شده‌اند که مانع اصلی شنیدن مؤثر هستند. همچنین،

پس چون دریابد که طبق سنت الهی شرک، اعراض از حق و تکذیب رسول الهی اسباب هلاکت است، از خواب غفلت بیدار می‌شود و در مسیر هدایت قدم می‌گذارد. پیامبر(صلی‌الله‌علیه‌وآله) می‌فرماید: «شَرُّ الْعَمَى عَمَى الْقَلْبِ» بدترین نابینایی، نابینایی دل است «و اعمی العمی عمی القلب» نابینایی‌ترین نابینایی‌ها، نابینایی دل است (حویزی، بی‌تا، ج ۳، ص ۵۰۸).

نهایت آنکه سیر در زمین و مطالعه در احوال تاریخی گذشتگان توصیه‌ای از طرف خداوند است که جزء مسموعات نجات بخش انسان، خواهد بود و سبب بیداری قلب او است. پیامبر(صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرمود: «اذا اراد ^ب بعد خیرا فتح عين قلبه فيشاهد بها ما كان غائبا عنه»؛ هنگامی که خدا بخواهد در حق بنده‌ای نیکی کند، چشمان قلب او را می‌گشاید تا چیزهایی را که از او پنهان بود، مشاهده کند (همو، ج ۳، ص ۵۰۹).

۵-۴. اخبار گذشتگان

مطالعه آثار و سرگذشت پیشینیان همواره منبعی برای بصیرت و عبرت‌آموزی انسان بوده است. قرآن کریم، شنیدن و تدبر در اخبار گذشتگان را عاملی مهم در پندپذیری و هدایت انسان می‌داند. در سوره ق، خداوند پس از اشاره به نابودی امت‌های گذشته، توجه انسان را به این وقایع جلب کرده و می‌فرماید: (وَ كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْنٍ هُمْ أَشَدُّ مِنْهُمْ بَطْشًا فَنَقَّبُوا فِي الْبِلَادِ هَلْ مِنْ مَحِيصٍ (ق: ۳۶) إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرٍ لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَ هُوَ شَهِيدٌ) (ق: ۵۰ / ۳۶ و ۳۷)؛ «و چقدر طوایفی را پیش از اینان ما هلاک کردیم که با قهر و قوت‌تر از اینان بودند و در هر دیار راه جستند. آیا هیچ راه نجاتی یافتند؟ در این هلاک پیشینیان پند و تذکر است آن را که قلب هوشیاری داشته باشد یا گوش فرادهد و توجه کامل کند و گواهی دهد».

این آیات به وضوح نشان می‌دهند که شنیدن و آگاهی از سرنوشت گذشتگان، زمانی مؤثر واقع می‌شود که با تدبر، تعقل و قلب بیدار همراه باشد. به عبارت دیگر، مسموعات تاریخی تنها با گوش مادی شنیده نمی‌شوند، بلکه نیازمند «گوش جان» هستند تا به عبرت و دانش تبدیل شوند. خداوند در سوره سجده نیز بر این نکته تأکید می‌کند و از انسان می‌پرسد: (أَوَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْقُرُونِ يَمْشُونَ فِي مَسَاكِينِهِمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ أَلَّا يَسْمَعُونَ) (سجده: ۳۲ / ۲۶)؛ «آیا آن طوایف و قبایلی را که ما پیش از این مردم کنونی هلاک کردیم و اینان اینک در دیارشان به جای آن‌ها رفت و آمد می‌کنند هلاک آن‌ها موجب هدایت و عبرت اینان نگردید؟ البته در این

أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَ هُوَ شَهِيدٌ) (ق: ۵۰ / ۳۶ و ۳۷)؛ «و چقدر طوایفی را پیش از اینان ما هلاک کردیم که با قهر و قوت‌تر از اینان بودند و در هر دیار راه جستند. آیا هیچ راه نجاتی یافتند؟ در این هلاک پیشینیان پند و تذکر است آن را که قلب هوشیاری داشته باشد یا گوش فرادهد و توجه کامل کند و گواهی دهد».

خداوند به انسان هشدار می‌دهد که به آیات الهی گوش سپرده و از مطالعه‌ی تاریخ و سرگذشت پیشینیان عبرت بگیرد. شنیدن سرگذشت پیشینیان به همراه تعقل سبب عبرت و هدایت انسان خواهد شد، زیرا انسان با شنیدن وقایع تاریخی متنبه می‌شود و شنیدن چگونگی ضلالت دیگران و یا عوامل هدایت درگذشتگان زمینه‌ساز هدایت انسان است. بنابراین چه خوب است که انسان در تاریخ تعقل کند و در این سرگذشت‌ها سنت‌های الهی را رصد نماید: (أَوَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْقُرُونِ يَمْشُونَ فِي مَسَاكِينِهِمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ أَلَّا يَسْمَعُونَ) (سجده: ۳۲ / ۲۶)؛ «آیا آن طوایف و قبایلی را که ما پیش از این مردم کنونی هلاک کردیم و اینان اینک در دیارشان به جای آن‌ها رفت و آمد می‌کنند هلاک آن‌ها موجب هدایت و عبرت اینان نگردید؟ البته در این هلاک پیشینیان آیاتی (از پند و عبرت خلق) است، آیا باز هم سخن نمی‌شنوند؟». مراد از «سمع» در اندیشه برخی مفسران، شنیدن مواظعی است که انسان را به اطاعت حق و قبول آن برساند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۴۰۰).

در سوره حج آیه ۴۶، نیز خداوند متعال به سیر در زمین و دیدن و شنیدن و تعقل در آثار گذشتگان توصیه می‌کند. انسان عاقل از مسموعات تاریخی پند می‌گیرد و نکات ارزشمند آن را در زندگی و موفقیت خود استفاده می‌کند. از این آیه می‌توان عوامل بیداری قلب و شنوا شدن انسان نسبت به حقیقت را استخراج کرد که شامل: سیر در زمین، شنیدن و مطالعه تاریخ، تفکر و تعقل است. بدون تعقل گویا نه گوشی برای شنیدن و نه چشمی برای دیدن خواهد بود: (أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونُوا لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارَ وَ لَا الْبَصَارَ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ) (حج: ۲۲ / ۴۶)؛ «آیا (این کافران) در روی زمین به سیر و تماشا نرفتند تا دل‌هاشان بینش و هوش یابد و گوششان به حقیقت شنوا گردد؟ که (این کافران را) چشم‌های سر گرچه کور نیست لیکن چشم باطن و دیده دل‌ها کور است». انسان مانوس با تعقل، ذهنی پرسش‌وال خواهد داشت که اندیشه و کاوش برای پاسخ به این سؤالات قلب او را بیدار می‌سازد و دیده او را عبرت‌بین می‌گرداند.

هستی خود بر یکتایی خالق واجب‌الوجود گواهی می‌دهد؛ زیرا همه پدیده‌ها حادث‌اند و نیازمند صانعی که حادث نباشد (طبرسی، ۱۴۴۵ق، ج ۶، ص ۲۵۵).

بر این اساس در قرآن کریم، به تفکر و تعقل در پدیده‌های مختلف هستی، سفارش شده است و با توجه به جایگاه ارزشمند این موضوع در هدایت انسان، به افرادی که گوش‌های شنوا نسبت به تسبیح این پدیده‌ها دارند، قوم شنونده گفته شده است و ایشان مورد تأیید الهی دانسته شده‌اند. از مهمترین ویژگی‌های این گروه شنوای به تسبیح الهی از نگاه قرآن کریم اجابت دعوت الهی: **(إِنَّمَا يَسْتَجِيبُ الَّذِينَ يَسْمَعُونَ وَالْمَوْتَى يَبْعَثُهُمْ ثُمَّ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ)** (انعام: ۳۶)؛ «تنها زنده‌دلان عالم که گوش شنوا دارند اجابت می‌کنند و مردگان را خدا برمی‌انگیزد، آنگاه خلاق به سوی حق بازگردانده می‌شوند» است. پس با دقت و تأمل در زوایای گوناگون جهان هستی این امکان و قوه در ایشان فعلیت می‌یابد که تسبیح موجودات و دلالت ایشان بر خالق یکتا را بشنوند و با جریان خلقت به سمت خالق خود همسو شوند: **(هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ)** (یونس: ۶۷/۱۰)؛ «اوست خداوندی که شب تار را برای آسایش شما و روز را روشن (برای امر معاش) مقرر فرمود، که در آن نشانه‌هایی (از قدرت خدا) برای مردمی که بشنوند پدیدار است.»

خداوند متعال با سفارش انسان به شنیدن برخی مسموعات در دنیا و تفکر و تعقل در آن‌ها، رشد عقلی و رسیدن به توحید و یکتاپرستی را برای انسان تسهیل می‌سازد. خالق انسان، تفکر در چگونگی نزول باران و زنده شدن زمین به سبب آن را از مسموعات نجات‌بخشی می‌داند که سبب بیداری دل و هدایت است. گویا این آیات تکوینی با انسان سخن می‌گویند و او را به خالق جهان متوجه می‌سازند: **(وَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ)** (نحل: ۶۵/۱۶)؛ «و خدا از آسمان باران را فرستاد تا زمین را پس از مرگ زنده کرد، البته در این کار آیتی (از قدرت و حکمت الهی) بر آنان که بشنوند پدیدار است.»

۵-۶. تسبیح مخلوقات

قرآن کریم، پدیده‌های هستی را به عنوان آیات و نشانه‌هایی از قدرت و یگانگی خداوند معرفی می‌کند که همگی در حال تسبیح و ستایش او هستند. این تسبیح، گاهی زبانی و گاهی تکوینی

هلاک پیشینیان آیاتی (از پند و عبرت خلق) است، آیا باز هم سخن نمی‌شنوند؟

این آیه، «سیر در زمین» را به عنوان بستری برای شنیدن و درک حقیقت مطرح می‌کند. انسان با مشاهده آثار گذشتگان، در واقع صدای تاریخ را می‌شنود و می‌تواند سنت‌های الهی را در آن رصد کند. از همین رو، قرآن در سوره حج، سیر در زمین را با «شنیدن» و «تعقل» مرتبط می‌داند: **(أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونُ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَ لَا كِن تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ)** (حج: ۲۲/۴۶)؛ «آیا در روی زمین به سیر و تماشا نرفتند تا دل‌هاشان بینش و هوش یابد و گوششان به حقیقت شنوا گردد؟ که (این کافران را) چشم‌های سر گرچه کور نیست لیکن چشم باطن و دیده دل‌ها کور است.»

این آیه به روشنی نشان می‌دهد که شنیدن مؤثر، ارتباط مستقیم با بیداری و بصیرت قلب دارد و سیر در زمین، به عنوان یک تجربه بصری، به شنیدن معنوی و درک قلبی منجر می‌شود. در نهایت، می‌توان نتیجه گرفت که سیر در زمین و مطالعه در احوال تاریخی گذشتگان، به عنوان یک مسموع نجات‌بخش، توصیه‌ای قرآنی است که زمینه‌ساز بیداری قلب و حرکت در مسیر هدایت خواهد بود.

۵-۵. تسبیح مخلوقات

یکی از نشانه‌های بی‌شمار بر آفریدگار بی‌همتا در قرآن کریم ضمن آیه ۴۴ سوره اسراء بیان شده است: **(تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ)** (اسراء: ۴۴/۱۷)؛ «هفت آسمان و زمین و هر که در آن‌هاست همه به ستایش و تنزیه خدا مشغولند و موجودی نیست در عالم جز آنکه ذکرش تسبیح و ستایش حضرت اوست و لیکن شما تسبیح آن‌ها را فهم نمی‌کنید. همانا او بسیار بردبار و آمرزنده است؛» آسمان‌های هفت‌گانه و زمین و همه‌ی کسانی که در آن‌ها هستند؛ او را می‌ستایند. به باور برخی مفسران تسبیح مخلوقات در این آیه به مفهوم دلالت کردن ایشان بر یکتایی و دادگری پروردگار است و این ستایش معنوی، از سنخ گفتار و نوشتار نیست، بلکه از ستایش لفظی قوی‌تر است؛ زیرا راهنما و دلیل بر یکتایی و قدرت بی‌کران آفریدگار جهان است و انسان را به اوج علم و یقین می‌رساند. پس هیچ پدیده‌ای در جهان آفرینش نیست جز این‌که به ستایش و تسبیح او مشغول است؛ یعنی با همه

پدیدار است.»

مفسران معتقدند که مراد از «سمع» در این آیات، صرفاً گوش مادی نیست، بلکه شنیدن از طریق تعقل و درک قلبی است. این شنیدن، نوعی دریافت پیام معنوی پدیده‌های خلقت است که به فهم عمیق‌تر از نظم و حکمت الهی منجر می‌شود. به عبارت دیگر، آیات تکوینی (مانند شب و روز یا نزول باران) با انسان سخن می‌گویند و او را به خالق جهان متوجه می‌سازند. این نوع از مسموعات، سبب بیداری دل و هدایت است و از همین رو، قرآن بر آن تأکید فراوانی دارد.

۵-۷. سخنان مبتنی بر عقل و برهان

آیاتی در قرآن وجود دارد که به استدلال عقلی می‌پردازد تا با تکیه بر عقل و برهان انسان را هدایت نماید و متوجه وحدانیت خداوند کند. در قرآن، این نکته حائز اهمیت است که هر سخنی را بدون دلیل و حجت نپذیرید و به هر سخنوری اعتماد نکنید: (أَمْ لَهُمْ سُلَّمٌ يَسْتَمِعُونَ فِيهِ فَلْيَأْتِ مُسْتَمِعَهُمْ بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ) (طور: ۵۲ / ۳۸)، در این آیه ادعای منکران به جهت بی‌اساس بودن دلایل آنان، نفی می‌شود و به انسان توصیه می‌شود که زمانی که به ادعای سخنوری گوش می‌دهید از او جهت ادعایش حجت و برهان طلب کنید. در حقیقت مسموعات بی‌اساس و حجت اعتباری نخواهند داشت. اگر کسی مدعی شنیدن و دانستن اسراری باشد، بدون ارائه دلیل قابل‌پذیرش نیست. بنابراین کلامی که همراه با برهان و دلیل باشد قابل‌قبول است و هر سخنی قابل‌شنیدن نیست.

قرآن کریم ابتدا خود به این نکته پایبند بوده است و حجت و براهین متعددی را برای متقاعد ساختن مخاطبانش ذکر نموده است. برای نمونه در سوره فاطر: (إِنْ تَدْعُوهُمْ لَا يَسْمَعُوا دُعَاءَكُمْ وَلَوْ سَمِعُوا مَا اسْتَجَابُوا لَكُمْ وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُونَ بِشِرْكِكُمْ وَلَا يُنَبِّئُكَ مِثْلُ خَبِيرٍ) (فاطر: ۱۴ / ۳۵)؛ «خَبِيرٍ»: مراد ذات پاک الله است که از تمام عالم هستی و ذره‌ذره آن آگاه است و دنیا و آخرت و گذشته و حال و آینده در پیشگاه علم او روشن و آشکار و یکسان است. «استدلال توحیدی و عقلانی دال بر توحید بیان شده است و مخاطب را به این نکته متوجه می‌سازد که پرستش معبودانی ناشنوا و ناتوان از استجاب دعا عاقلانه نیست. منکران و معاندان، در روز قیامت متوجه خواهند شد که شنوای حقیقی فقط خداوند است و معبودانی را پرستش کرده‌اند که پوچ و ناتوان از یاری بودند. نکته مهم دیگری که در اینجا قابل ذکر است آن است که

است؛ به این معنا که خود وجود و نظم حاکم بر آن‌ها، بر یگانگی و حکمت خالق دلالت دارد. آیه ۴۴ سوره اسراء به وضوح به این حقیقت اشاره می‌کند: (تَسْبِيحٌ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ) (اسراء: ۱۷ / ۴۴)؛ «هفت آسمان و زمین و هر که در آن‌هاست همه به ستایش و تنزیه خدا مشغولند و موجودی نیست در عالم جز آنکه ذکرش تسبیح و ستایش حضرت اوست و لیکن شما تسبیح آن‌ها را فهم نمی‌کنید.» این آیه، «تسبیح» را به عنوان یک مسموع نجات‌بخش مطرح می‌کند، هرچند انسان عادی توانایی درک آن را ندارد. براساس تفاسیر، این تسبیح فراتر از یک گفتار لفظی است و در واقع همان دلالت تکوینی مخلوقات بر خالق خود است.

از همین رو، قرآن کریم، به تفکر و تعقل در پدیده‌های هستی سفارش می‌کند و افرادی را که گوش‌های شنوا نسبت به تسبیح این پدیده‌ها دارند، «قوم یسمعون» می‌نامد. این گروه، با دقت و تأمل در زوایای گوناگون جهان هستی، می‌توانند تسبیح موجودات و دلالت آن‌ها بر خالق یکتا را بشنوند و با جریان خلقت همسو شوند. از مهم‌ترین ویژگی‌های این گروه، اجابت دعوت الهی است: (إِنَّمَا يَسْتَجِيبُ الَّذِينَ يَسْمَعُونَ وَالْمَوْتَى يَبْعَثُهُمْ ثُمَّ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ) (انعام: ۶ / ۳۶)؛ «تنها زنده‌دلان عالم که گوش شنوا دارند اجابت می‌کنند و مردگان را خدا برمی‌انگیزد، آنگاه خلاق به سوی حق بازگردانده می‌شوند.»

در این آیه، «شنیدن» با «حیات» قلبی گره خورده است و نشان می‌دهد که «گوش شنوا» نشان از حیات معنوی و آمادگی برای پذیرش حق دارد.

همچنین، قرآن در آیاتی که به پدیده‌های بصری اشاره دارد، «شنیدن» را به عنوان یک رکن اصلی برای درک و عبرت‌آموزی مطرح می‌کند. برای مثال، خداوند در آیات سوره یونس و نحل، پس از اشاره به پدیده‌هایی مانند شب و روز یا نزول باران، آن‌ها را «آیاتی برای قوم شنونده» می‌داند: (هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُسْمَعُونَ) (یونس: ۱۰ / ۶۷)؛ «اوست خداوندی که شب تار را برای آسایش شما و روز را روشن (برای امر معاش) مقرر فرمود، که در آن نشانه‌هایی (از قدرت خدا) برای مردمی که بشنوند پدیدار است.»

(وَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يُسْمَعُونَ) (نحل: ۱۱۶ / ۶۵)؛ «و خدا از آسمان باران را فرستاد تا زمین را پس از مرگ زنده کرد، البته در این کار آیتی (از قدرت و حکمت الهی) بر آنان که بشنوند

مشرکان، موجوداتی ناتوان هستند. پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) به حقایق راه خود ایمان داشت و دیگران را به مبارزه دعوت می‌کرد. با شرک، مبارزه منطقی کنید و دلایل بطلان آن را روشن سازید (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۷، ص ۳۲۶). بر این اساس همه آیات قرآن کریم، مسموعات نجات بخش برای انسان است و شنیدن هر کدام از این آیات، سبب هدایت و نور علم و حکمت در انسان خواهد شد.

۸-۵. سخنان مبتنی بر عقل و برهان

یکی از وجوه پرننگ و محوری «سمع» در قرآن کریم، وجه شناختی آن است. در آیات متعدد، «سمع» به عنوان ابزاری برای حصول علم و درک حقیقت معرفی شده است و عملکرد انسان نیز، به نوع شناخت او از امور بستگی دارد. از همین رو، قرآن بر لزوم شنیدن سخنان مبتنی بر عقل و برهان تأکید فراوانی دارد و از پذیرش هر سخنی بدون دلیل نهی می‌کند.

• لزوم طلب برهان و حجت

قرآن کریم در سوره طور، به صراحت به انسان‌ها توصیه می‌کند که هرگاه سخنی می‌شنوند، از گوینده آن طلب برهان و حجت آشکار کنند: (أَمْ لَهُمْ سُلْمٌ يَسْتَمِعُونَ فِيهِ فَلَيَاتِ مُسْتَمِعِهِمْ سُلْطَانٌ مُّبِينٌ) (طور: ۵۲ / ۳۸): «آیا آنان نردبانی (به آسمان) دارند که (سخنان وحی را) در آن می‌شنوند؟ پس شنونده‌شان باید برهانی آشکار بیاورد.»

این آیه، ادعاهای منکران را به دلیل بی‌اساس بودن دلاییشان نفی می‌کند و نشان می‌دهد که مسموعات بی‌اساس و فاقد حجت، فاقد اعتبار هستند. اگر کسی مدعی شنیدن و دانستن اسرار باشد، بدون ارائه دلیل قابل‌پذیرش نیست.

• استدلال‌ات توحیدی بر مبنای سمع

قرآن کریم، خود به این اصل پایبند بوده و برای هدایت انسان‌ها، از براهین محکم و عقلانی بهره برده است. آیات قرآن، با تکیه بر عقل و برهان، انسان را به سوی وحدانیت خداوند هدایت می‌کنند و از پرستش معبودانی که فاقد قدرت و اختیار هستند، برحذر می‌دارند.

برای نمونه، در سوره فاطر، خداوند با استدلالی توحیدی و عقلانی، به پوچی پرستش بت‌ها اشاره می‌کند: (إِنْ تَدْعُوهُمْ لَا يَسْمَعُوا دُعَاءَكُمْ وَ لَوْ سَمِعُوا مَا اسْتَجَابُوا لَكُمْ وَ يَوْمَ

شنیدن به خودی خود کافی نیست؛ بلکه اجابت است که اهمیت دارد و خداوند متعال یکتا معبود شایسته‌ای است که در عین شنیدن همه دعاها امکان اجابت آن را دارد. استدلال حضرت ابراهیم(علیه‌السلام) به پدرش نیز از همین سنخ است: (قَالَ هَلْ يَسْمَعُونَكَ إِذْ تَدْعُونَ) (شعرا: ۲۶ / ۷۲): «ابراهیم گفت: آیا هرگاه این بت‌های جماد را بخوانید سخن شما را می‌شنوند؟» (إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ وَ لَا يُبْصِرُ وَ لَا يُغْنِي عَنْكَ شَيْئًا) (مریم: ۱۹ / ۴۲): «هنگامی که با پدر خود (یعنی عموی خویش آزر) گفت: ای پدر، چرا بتی جماد را که چشم و گوش (و حس و هوشی) ندارد و هیچ رفع حاجتی از تو نتواند کرد پرستش می‌کنی؟»، ناتوانی در شنیدن بت‌ها و عدم امکان اجابت نکاتی است که ابراهیم بیان می‌کند تا آزر را وادار به تفکر می‌کند تا حق را دریابد؛ زیرا لازمه معبود، شنوا بودنش نسبت به عابد و اجابت خواسته اوست. استدلال‌ات توحیدی حضرت ابراهیم(علیه‌السلام) که با بیان اصول عقلانی، سعی در هدایت و یکتاپرستی قومش دارد، برای هدایت انسان به سعادت و توحید بیان شده است. همچنین در آیه (أَلَمْ لَهُمْ أَرْجُلٌ يَمْشُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ أَيْدٍ يَبْطِشُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ أَعْيُنٌ يُبْصِرُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا قُلْ ادْعُوا شُرَكَاءَكُمْ ثُمَّ كِيدُونِ فَلَا تُنظِرُونِ) (اعراف: ۱۹۵ / ۷): «آیا آن بتان را پایی است که راهی پیمایند یا دستی که از آستین قدرت بیرون آرند، یا چشم و گوشی که به آن ببینند و بشنوند؟ بگو: شریکان (باطل) خود را بخوانید و هر حیلت که با من می‌توانید به کار برید بی‌آنکه هیچ مرا مهلت بدهید»، باز هم به ناتوانی معبودانی غیر از الله اشاره می‌کند. بت‌هایی که پایی برای راه رفتن، دستی برای یاری کردن، چشمی برای شنیدن و در نهایت گوشی برای شنیدن درخواست و نیاز ندارند، از این رو خداوند متعال، در این آیه تحدی کرده و به بت‌پرستان می‌فرماید: از معبودان ناشنوا و نابینای خود، طلب یاری کنید. استدلال‌ات موجود در این آیه، تلنگری است برای تفکر، تا شاید سبب هدایت کافران شود.

بنابر قول مفسران، آیه به دلیل دیگری بر بطلان شرک اشاره دارد و به مشرکان می‌گوید: اگر پیامبر(صلی‌الله‌علیه‌وآله) را دروغ‌گو و معبودهای خود را حق می‌پندارید، پس چرا آنان بر پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) خشمگین نمی‌شوند و به او صدمه نمی‌زنند؟ بدانید که آنان موجوداتی غیرمؤثر و دروغین هستند. بنابراین معبود انسان باید قدرتمندتر از او باشد، درحالی‌که معبودهای

يَا أَبَتِ لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ وَلَا يُبْصِرُ وَلَا يُغْنِي عَنْكَ شَيْئاً (مریم: ۱۹/۴۲)؛ «هنگامی که به پدرش گفت: ای پدر، چرا چیزی را می‌پرستی که نه می‌شنود و نه می‌بیند و نه تو را از چیزی بی‌نیاز می‌کند؟» همچنین در سوره اعراف، خداوند بر ناتوانی بت‌ها در برابر انسان‌ها تحدی می‌کند و از آنان می‌پرسد: (أَلَمْ لَهُمْ آرْجُلٌ يَمْشُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ أَيْدٍ يَبْطِشُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ أَعْيُنٌ يُبْصِرُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا) (اعراف: ۱۷/۱۹۵)؛ «آیا پاهایی دارند که با آن راه بروند، یا دست‌هایی دارند که با آن حمله کنند، یا چشم‌هایی که با آن ببینند، یا گوش‌هایی که با آن بشنوند؟»

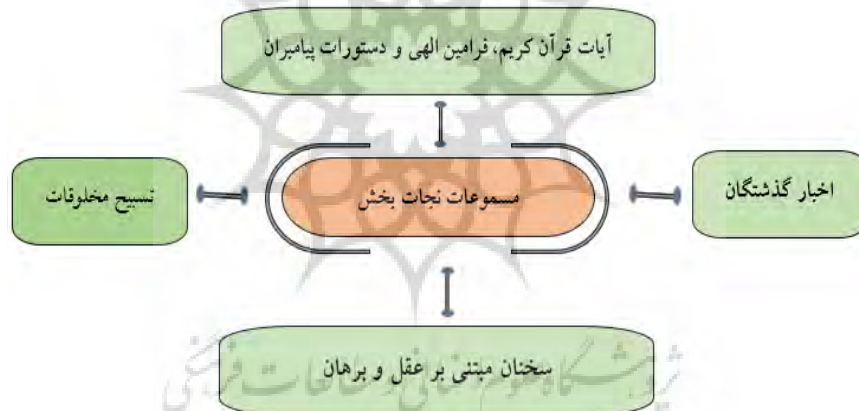
این آیات، با بیان ناتوانی معبودان غیر از خدا، تلنگری برای تفکر و تعقل هستند تا شاید سبب هدایت کافران شوند. در نهایت، می‌توان نتیجه گرفت که همه آیات قرآن کریم، مسموعات نجات‌بخش برای انسان هستند و شنیدن هر یک از این آیات، سبب نور علم و حکمت در انسان خواهد شد.

الْقِيَامَةِ يَكْفُرُونَ بَشِرِكُمْمْ وَ لَا يُبْنِيكَ مِثْلُ خَبِيرٍ (فاطر: ۳۵/۱۴)؛ «اگر آنها را بخوانید، صدای شما را نمی‌شنوند و اگر بشنوند، پاسخ شما را نمی‌دهند و روز قیامت شرک شما را انکار می‌کنند و هیچ کس مانند خداوند آگاه تو را آگاه نمی‌سازد.»

در این آیه، با بهره‌گیری از صفت «خبیر» که به معنای نهایت آگاهی و دانایی است، به مخاطب هشدار می‌دهد که ذات پاک الهی از هر پدیده و ذره‌ای در عالم هستی آگاه است و تنها او شایسته پرستش است، زیرا معبودان ناتوان حتی از شنیدن صدای عبادت‌کنندگان خود ناتوانند. این استدلال، مخاطب را به این نکته متوجه می‌سازد که پرستش معبودانی ناشنوا و ناتوان از استجاب دعا، امری غیرعقلانی است.

• ناتوانی معبودان باطل از شنیدن

استدلال حضرت ابراهیم (علیه‌السلام) با پدرش نیز از همین سنخ است. او با استفاده از اصول عقلانی، ناتوانی بت‌ها را در شنیدن و پاسخ دادن به عبادت‌کنندگان گوشزد می‌کند: (إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ



نمودار ۲. مسموعات نجات‌بخش

۱۴۸)؛ «خدا دوست نمی‌دارد که کسی به گفتار زشت (به عیب خلق) صدا بلند کند مگر آنکه ظلمی به او رسیده باشد، همانا که خدا شنوا و داناست.» انسان باید مراقب گفتار خود باشد و سخنان زشت از دهان او خارج نشود. زیرا وجود چنین گفتاری سبب آلودگی جامعه از لحاظ گفتاری خواهد شد و وقتی افراد در جامعه در معرض چنین شنیده‌هایی قرار گیرند، حرمت ایشان هتک می‌شود و یکی از خط قرمزهای مهم از منظر اخلاق اسلامی هتک حرمت مؤمنین است. قول سوء، به معنای هرگونه سخن زشت است که سبب ناراحتی شخص شود و مصادیق مختلفی مانند فحش و ناسزا، نفرین دارد. با توجه به اینکه آیه به مظلوم اجازه چهر به سوء را می‌دهد، از نظر علامه طباطبایی حد مجاز در

۶. مسموعات هلاک‌بخش

این گروه از مسموعات در نمودار (۲)، کمترین فراوانی را به خود اختصاص داده است. این آیات نیز در این باره مشتمل بر دو دسته مضمونی است، نخست مضامینی که به مسموعاتی اشاره دارد که اگر انسان به آن‌ها گوش سپرده یا ترتیب اثر دهد او را دچار خسارت و آسیب می‌سازد. دسته دوم هم مضامینی که حاکی از ارائه الگو رفتاری در مواجهه با مسموعات باطل است.

۶-۱. سخن سوء

در آیات قرآن خداوند متعال انسان را از فحش و ناسزا و سخنان زشت و ناپسند برحذر داشته است: (لَا يُحِبُّ ۚ ۚ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلَمَ وَ كَانَ ۚ ۚ سَمِيعاً عَلِيماً) (نسا: ۴/

منتشر می‌شود، برحذر می‌دارد. این سخنان، خواه به صورت فحش و ناسزا باشند و خواه به شکل سخنان آزاردهنده، بر عملکرد انسان اثر مستقیم دارند و می‌توانند او را از مسیر هدایت منحرف سازند. خداوند در آیه ۱۴۸ سوره نساء می‌فرماید:

(لَا يُحِبُّ ۞ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلَمَ وَ كَانَتْ ۞ سَمِيعًا عَلِيمًا) (نساء: ۴/۱۴۸)

این آیه، با تأکید بر صفت "سمیع و علیم" خداوند، به انسان هشدار می‌دهد که نه تنها از گفتار سوء پرهیز کند، بلکه مسئولیت گوش دادن به آن را نیز برعهده دارد. گوش سپردن به این‌گونه سخنان می‌تواند سبب آلودگی روحی و فکری فرد شود، چرا که عملکرد انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

قرآن، در مواجهه با این مسموعات هلاک‌بخش، یک الگوی رفتاری روشن به مؤمنان ارائه می‌کند. در سوره آل‌عمران، خداوند به مؤمنان هشدار می‌دهد که در جامعه با سخنان آزاردهنده از سوی اهل کتاب و مشرکان روبه‌رو خواهند شد و در چنین شرایطی، راهکار عملی را **صبر و تقوا** می‌داند:

(لَتُبْلَوْنَ فِي أَمْوَالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ وَ لَتَسْمَعَنَّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَ مِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا أَدَىٰ كَثِيرًا وَ إِنْ تَصْبِرُوا وَ تَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ) (آل‌عمران: ۳/۱۸۶)

این آیه به خوبی نشان می‌دهد که نوع مسموعات بر عملکرد انسان اثرگذار است و هر نوع سمعی می‌تواند واکنش خاصی را به دنبال داشته باشد. در مواجهه با مسموعات آزاردهنده، توصیه می‌شود که در عملکرد خود، اصل **صبر و تقوای الهی** را رعایت کنید. چنین واکنشی بسیار دشوار است و نیازمند اراده‌ای استوار است، به همین دلیل قرآن آن را از مصادیق "عزم الامور" می‌داند. یک مؤمن در این شرایط، مجاز به مقابله به مثل و به کار بردن سخن زشت نیست، بلکه باید با رفتاری نیکو پاسخ دهد. این نوع رفتار در آیه ۶۳ سوره فرقان به عنوان یکی از ویژگی‌های بندگان خاص خداوند رحمان توصیف شده است:

(وَ عِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا) (فرقان: ۶۳/۲۵)

۷-۲. شایعه و تهمت

خداوند متعال در آیات قرآن کریم به بعد اجتماعی انسان نیز توجه کرده و با ارائه الگوی رفتاری و همچنین با عباراتی چون (فاحذروهم) انسان را از شنیدن مسموعات باطل برحذر می‌دارد. در

بدگویی برای دادخواهی مظلوم از ظالم به اندازه‌ای است که فقط مربوط به ظلم او باشد و گفتن بدی‌های دیگرش که ربطی به ظلم او ندارد، مجاز نیست (۱۳۷۴، ج ۵، ص ۲۰۰-۲۰۲).

در آیه ۱۸۶ سوره آل‌عمران هم به ارائه الگوی رفتاری به مؤمنان در مواجهه با سخنان ناپسند می‌پردازد: (لَتُبْلَوْنَ فِي أَمْوَالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ وَ لَتَسْمَعَنَّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَ مِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا أَدَىٰ كَثِيرًا وَ إِنْ تَصْبِرُوا وَ تَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ) (آل‌عمران: ۳/۱۸۶): «محققاً شما را در مال و جان آزمایش خواهند کرد و از آن‌ها که پیش از شما کتاب آسمانی به آن‌ها داده شد و از مشرکان زخم زبان بسیار خواهید شنید، و اگر صبر پیشه کرده و پرهیزکار شوید (البته ظفر یابید) که ثبات و تقوا سبب قوت اراده در کارهاست». طبق این آیه مؤمنان در جامعه با سخنان آزاردهنده از فحش، ناسزا، طعن و... مواجهه خواهند شد در چنین شرایطی به صبر و تقوا توصیه شده است. عمل به چنین توصیه‌ای دشوار است؛ زیرا چنین سخنانی اذیت‌کننده است و انسان را آزرده‌خاطر می‌سازد و به جهت همین دشواری است که واکنش مبتنی بر صبر و تقوا را از مصادیق عزم‌الامور دانسته است که نیازمند اراده‌ای استوار است. پس می‌توان گفت در مواجهه با چنین سخنانی یک مؤمن اجازه ندارد تا مقابله به مثل کند و سخن زشت بر زبان آورد و رعایت تقوا در این شرایط ضرورت دارد؛ بلکه حتی باید مواجهه نیکو نمود: (وَ عِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا) (فرقان: ۶۳/۲۵): «و بندگان خاص خدای رحمان آنان هستند که بر روی زمین به تواضع و فروتنی راه روند و هرگاه مردم جاهل به آن‌ها خطاب (و عتابی) کنند با سلامت نفس (و زبان خوش) جواب دهند.»

۷. مسموعات هلاک‌بخش

این دسته از مسموعات شامل سخنانی هستند که اگر انسان به آن‌ها گوش سپرده یا ترتیب اثر دهد، او را دچار آسیب و گمراهی می‌سازند. این بخش از تحلیل مضمونی آیات، به دو دسته کلی تقسیم می‌شود: نخست، مضامینی که به مسموعات آسیب‌زننده اشاره دارند و دوم، مضامینی که راهکار و الگوی رفتاری صحیح را در مواجهه با این‌گونه مسموعات ارائه می‌کنند.

۷-۱. سخن سوء

قرآن کریم، انسان را از هرگونه سخن زشت و ناپسند که در جامعه

دادن به خداوند متعال بر بهتان بودن و بی‌اساس بودن شایعه به‌طور واضح تأکید کند.

در آیه (لَوْ خَرَجُوا فِيكُمْ مَا زَادُوكُمْ إِلَّا خَبَالًا وَ لِأَوْضَعُوا خِلَالَكُمْ يَبْغُونَكُمُ الْفِتْنَةَ وَ فِيكُمْ سَمَاعُونَ لَهُمْ وَ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ) (توبه: ۴۷/۹)؛ «اگر این منافق مردم هم در میان شما مؤمنان بیرون می‌آمدند جز خیانت و مکر در سپاه شما چیزی نمی‌افزودند و هرچه می‌توانستند در کار شما اخلال و خرابی می‌کردند، برای شما از هرسو در جستجوی فتنه برمی‌آمدند و هم در میان لشکر شما از آنان جاسوس‌هایی وجود دارد، و خدا به احوال ظالمان داناست». به نکته بسیار ظریفی اشاره شده است که حاکی از شخصیت مخرب برخی افراد است که دائماً با سخنان خود بذر تردید و فتنه را در جامعه می‌باشند. در آیات قبل از این آیه به تبیین حالات و رفتار منافقان پرداخته است و ایشان را اهل تردید می‌داند و بیان می‌دارد که اینانی که برای شرکت نکردن در جنگ اجازه می‌خواهند، ایمان به خدا و معاد ندارند. در این آیه می‌فرماید همان بهتر که ایشان نیایند؛ زیرا حضور ایشان اسباب ایجاد شک و تردید در دیگران خواهد بود و فتنه‌انگیزی می‌کنند و تفرقه ایجاد می‌کنند. افزون بر همه این نکات منفی، می‌فرماید: «وَ فِيكُمْ سَمَاعُونَ لَهُمْ» که به دو شکل قابل فهم است، اینکه در میان شما کسانی هستند که به سخن منافقان گوش می‌دهند و ترتیب اثر می‌دهند و دیگر اینکه افرادی از شما برای منافقان جاسوسی می‌کنند؛ یعنی در میان شما افرادی هستند که برای گروه منافقان جاسوسی می‌کنند. جاسوسان به‌طور نامحسوس و باسرعت در میان افراد نفوذ می‌کنند و با ایجاد تفرقه، اتحاد سپاهیان را بین می‌برند. پس طبق هشدار این آیه مؤمنین باید مراقب باشند تا در جامعه کسانی تحت تأثیر منافقان قرار نگیرند و با تبیین درست و به موقع فتنه‌های ایشان را ناکام بگذارند. برخی مفسران در تبیین «وَ فِيكُمْ سَمَاعُونَ لَهُمْ» بیان کرده‌اند که «سماع» به معنی کسی است که فقط شنونده است و بدون مطالعه و دقت هر سخنی را باور می‌کند. بنابراین وظیفه مسلمانان قوی‌الایمان آن است که مراقب این گروه ضعیف باشند تا مبادا طعمه مکر چنین افرادی شوند (مکارم، ۱۳۷۱، ج ۷، ص ۴۳۵). پس حضور منافقان در جبهه، عامل فتنه، تفرقه، تردید (و تضعیف روحیه) سپاهیان است. مراقب ساده‌لوحان سپاه و جاسوسان نفوذی منافقان باشید (رضایی‌اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۸، ص ۲۱۵).

خداوند متعال رسول خاتم(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) را از منافقان برحذر داشته است: (وَ إِذَا رَأَيْتَهُمْ تُعْجِبُكَ أَجْسَامُهُمْ وَ إِن يَقُولُوا تَسْمَعُ لِقَوْلِهِمْ كَأَنَّهُمْ خُشْبٌ مُسْنَدَةٌ يَحْسَبُونَ كُلَّ

روایات نیز به این مسئله اشاره شده است. در این هیاهوی مسموعاتی، که فتنه‌ها و امور متشابه وجود دارد، دستورالعمل پیامبر(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) چنین است: «إِذَا التَّبَسَّتْ عَلَيْكُمُ الْفِتْنُ كَقَطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ فَعَلَيْكُمْ بِالْقُرْآنِ... وَ لَهُ ظَهْرٌ وَ بَطْنٌ فَظَاهِرُهُ حُكْمٌ وَ بَاطِنُهُ عِلْمٌ... فِيهِ مَصَابِيحُ الْهُدَى وَ مَنَارُ الْحِكْمَةِ وَ دَلِيلٌ عَلَ الْمَعْرِفَةِ لِمَنْ عَرَفَ الصِّفَةَ» (کلینی، بی تا، ج ۲، ص ۵۹۹). هنگامی که فتنه‌ها چون پاره‌های شب تار بر شما مشتبه شود، به قرآن روی بیاورید، برای قرآن، ظاهری و باطنی است. ظاهر آن حکمت و باطن آن دانش است. در قرآن چراغ‌های هدایت و نشانه‌های حکمت و راهنمای معرفت هست، برای کسی که ویژگی‌اش را شناخت.

خداوند متعال در قرآن کریم با ارائه الگوی رفتاری به انسان در مواجهه با مسموعات باطل، راه نجات و سعادت او را خاطر نشان می‌کند. این آیات به بُعد اجتماعی انسان توجه داشته و گوشزد می‌کند که گاه در جامعه شایعات و تهمت‌ها انتشار می‌یابد و لازم است تا مؤمنین مواجهه درستی با این مسموعات داشته باشند: (لَوْ لَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَ الْمُؤْمِنَاتُ بِأَنفُسِهِمْ خَيْرًا وَ قَالُوا هَذَا إِفْكٌ مُّبِينٌ) (نور: ۱۲/۲۴)؛ «آیا سزاوار این نبود که چون (از منافقان) چنین بهتان و دروغ‌ها شنیدید مردان و زنان مؤمن حسن ظنشان درباره یکدیگر بیشتر شده و گویند: این دروغی است آشکار؟»، در این آیه مؤمنان به خاطر سوءظن به همسر رسول خدا(صلی‌الله‌علیه‌وآله) مؤاخذه می‌شوند که چرا هر شنیده‌ای را می‌پذیرند؟ نکته ظریف آن است که می‌فرماید چرا در برابر شایعه گمان نیکو به خودشان - انفسهم - نبردند و به این نحو بر لزوم پیوند عمیق ایمانی در جامعه اسلامی تأکید دارد. پس طبق این آیه مؤمنین نه تنها نباید که با بازگو کردن شایعات به آن دامن بزنند، بلکه در برابر آبروی افرادی که در معرض تهمت قرار گرفته‌اند، مسئول هستند و باید بر پایه گمان خیر به مقابله با آن بپردازند و همان‌طور که اگر مؤمنی خودش در معرض تهمت واقع شود به توجیه آن می‌پردازد، در مورد برادران مؤمن خویش نیز باید چنین کند. در ادامه این سوره و در آیه ۱۶، به‌صورت صریح‌تر بر وظیفه دفاع از آبروی مؤمن در برابر شایعه و تهمت تأکید می‌فرماید: (وَ لَوْ لَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ قُلْتُمْ مَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَتَكَلَّمَ بِهَا إِذَا سُبْحَانَكَ هَذَا بُهْتَانٌ عَظِيمٌ) (نور: ۱۶/۲۴)؛ «چرا به محض شنیدن این سخن نگفتید که هرگز ما را تکلم به این روا نیست، پاک خدایا، این بهتانی بزرگ است؟». در این آیه گام را فراتر نهاده و می‌فرماید حتی شایسته نیست که مؤمن شایعات را به زبان بیاورد. بلکه بلافاصله در مواجهه با شایعات باید با توجه

۷-۳. شایعه و تهمت

قرآن کریم با نگاهی جامعه‌شناسانه، به انسان در برابر مسموعات هلاک‌بخش، به‌ویژه شایعات و تهمت‌ها، هشدار می‌دهد و الگوی رفتاری صحیح را ارائه می‌کند. این آیات، «سمع» را نه فقط یک عمل فیزیکی، بلکه یک مسئولیت اجتماعی می‌دانند که انسان را در برابر هر آنچه می‌شنود، متعهد می‌سازد.

خداوند در سوره نور، مؤمنان را به‌خاطر پذیرش شایعه مؤاخذه کرده و الگوی رفتاری را گوشزد می‌کند: (لَوْ لَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِأَنفُسِهِمْ خَيْرًا وَقَالُوا هَذَا إِفْكٌ مُّبِينٌ) (نور: ۲۴/۱۲)؛ «چرا وقتی آن را شنیدید، مردان و زنان مؤمن به خودشان گمان نیک نبردند و نگفتند این دروغی آشکار است؟»

در این آیه، عمل شنیدن (سمع) مستقیماً با مسئولیت اجتماعی و وظیفه اخلاقی پیوند خورده است. مؤمنان به دلیل سوءظن به یکدیگر سرزنش می‌شوند، زیرا شنیدن شایعه باید بلافاصله با گمان نیک و دفاع از آبروی برادر ایمانی همراه شود. نکته دقیق این است که قرآن می‌فرماید مؤمنان باید «به خودشان» گمان نیک ببرند (بأنفسِهِمْ)، که نشان از پیوند عمیق ایمانی در جامعه اسلامی و وظیفه فرد در دفاع از حیثیت جمعی دارد. به عبارت دیگر، شنیدن شایعه درباره یک مؤمن، در حقیقت شنیدن آن درباره خود فرد است.

۷-۳-۱. تضعیف روحیه با سخنان مخرب

قرآن کریم به مسئله خطر نفوذ منافقان از طریق سخنان فتنه‌انگیز و تردیدآفرین می‌پردازد. آیه ۴۷ سوره توبه، به گروهی از منافقان اشاره دارد که حضورشان در میان مؤمنان سبب ایجاد تردید و تفرقه می‌شود: (لَوْ حَرَجُوا فِیْكُمْ مَا زَادُوكُمْ إِلَّا خَبَالًا وَ لَأَوْضَعُوا خِلَالَكُمْ یَبْغُونَكُمُ الْفِتْنَةَ وَ فِیْكُمْ سَمَاعُونَ لَهُمْ عَیْلٌ بِالظَّالِمِیْنَ) (توبه: ۴۷/۹)؛ «اگر همراه شما بیرون می‌آمدند، جز تباهی چیزی به شما نمی‌افزودند و هر آینه در میان شما فتنه‌جویی می‌کردند، و در میان شما جاسوسانی برای آنان هستند...»

در تبیین عبارت «وَ فِیْكُمْ سَمَاعُونَ لَهُمْ»، مفسران چند احتمال را مطرح کرده‌اند که هر کدام بر وجهی از معنای «سمع» تأکید دارند:

- شنوندگان ساده‌لوح: برخی تفاسیر مانند تفسیر نمونه، «سَمَاعُونَ» را به معنای کسانی می‌دانند که به‌طور ساده‌لوحانه و بدون

صِيحَةً عَلَيْهِمْ هُمْ الْعَدُوُّ فَاحْذَرُوهُمْ قَاتِلَهُمْ ۗ أَلَمْ يَأْتِ يُوَفِّقُونَ

(منافقون: ۴/۶۳)؛ «تو چون آن منافقان را مشاهده کنی ظاهر و وجود جسمانی آن‌ها (به آراستگی فریبنده) تو را به شگفت آورد و اگر سخن گویند (بس خوش‌گفتار و چرب‌زبانند) به سخن‌هاشان گوش فراخواهی داد (ولی از باطن و درون) گویی که چوبی خشک تکیه کرده بر دیوارند (و هیچ عقل و ایمان و معرفت ندارند و چون در باطن نادرست و بداندیشند هر صدایی بشنوند بر زبان خویش پندارند. دشمنان به حقیقت اینان هستند، از ایشان برحذر باش، خدایشان بکشد، (از حق) به کجا بازگردانیده می‌شوند؟» از ویژگی منافقان آن است که ظاهری جذاب و فریبنده فراهم می‌کنند تا ضعف شخصیتی خود را پنهان کنند. لذا وقتی کسی با آن‌ها مواجه شود، شگفت‌زده می‌شود و به سخنان ایشان گوش می‌دهد؛ اما حقیقت چیز دیگری است. قرآن کریم ایشان را به (خشب مسنده) تشبیه کرده است. از نظر لغوی خشب به‌معنای چوب و مسنده به‌معنای تکیه داده شده است. تعبیر منافقان به چوب به این جهت هم‌معنا شده است که در شب بدون صدا و در روز سروصدا ایجاد می‌کنند (فراهیدی، ج ۴، ص ۱۷۲؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۳۵۲؛ ابن‌اثیر، ۱۹۷۹م، ج ۵، ص ۷۱؛ ابن‌درید، ۱۹۸۷، ج ۱، ص ۱۷۲). وجه تشبیه خشب مسنده برای منافقان به دلیل عدم خردورزی و متکی بودن به دیگران برای تحلیل کردن است به همین جهت چوب تکیه داده‌شده بر دیوار استعمال شده است (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۹، ص ۱۲۵). چوب‌های کهنه و پوسیده زمانی توان ایستادن را دارند که به دیوار تکیه داده شده باشند (صادقی تهرانی، ۱۴۱۹، ص ۵۵۴). منافقان از جهت توخالی بودن و عدم استقلال شخصیت قابل‌اعتماد و اتکا نیستند و در نتیجه سخنان آنان هم بی‌ارزش است. در آیات مختلفی از قرآن کریم بر بی‌اعتباری سخن منافقان تأکید شده است که نمونه بارز آن آیات اول و دوم سوره منافقون است که بیان می‌دارد که منافقان در نزد رسول خدا (صلی‌الله‌وعلیه‌وآله) گواهی می‌دهند که او رسول خداست؛ اما خداوند گواهی می‌دهد که منافقان قطعاً دروغ می‌گویند و آنان با سوگندهای دروغین مردم را فریب می‌دهند. در جوامع اسلامی منافقان با ظاهر آراسته و سخنانی مخاطب‌پذیر حضور دارند، اقوالشان مخاطب‌پسند، ولی بی‌پشتوانه و غیرقابل‌اتکا است. قرآن کریم انسان‌ها را آگاهی می‌دهد که این افراد، به سبب نفاق درونی قابل‌اعتماد نیستند. پس باید افراد نسبت‌به شنیده‌هایشان مراقب باشد و هر سخنی را نپذیرند.

محتوای درونی است. در واقع، این افراد به خاطر نفاق و ضعف شخصیتی، فاقد استقلال فکری هستند و سخنانشان نیز فاقد پشتوانه ارزشی است. در اینجا، سَمْع حقیقی فراتر از شنیدن ظاهری است.

پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) با وجود فریبندگی ظاهری و سخنان جذاب منافقان، براساس سخن آن‌ها رفتار نمی‌کرد و فریب ظاهرشان را نمی‌خورد. این رفتار، الگویی برای مؤمنان است که در مواجهه با مسموعات، باید حقیقت را از باطل تمییز دهند و براساس آگاهی و نه صرفاً ظاهر، عمل کنند.

۷-۴. سخنان ناآگاهانه

مؤمن موظف است تا بر سخنی که از آن آگاهی و علم اصرار نرزد. خداوند متعال در آیه: **(وَ لَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَ الْبَصَرَ وَ الْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا)** (اسراء: ۷/ ۳۶)؛ «و (ای انسان) هرگز آنچه را که بدان علم و اطمینان نداری دنبال مکن که چشم و گوش و دل همه مسئول‌اند»، تذکر می‌دهد که مسموعات بدون علم و حجت قابل‌پذیرش و پیروی نیست. ابزار رسیدن به علم و دانایی در انسان گوش و چشم و فؤاد است. بنابراین انسان‌ها باید نسبت به ورودی‌های گوش و چشم و قلب خود دقت کنند و آن‌ها را مورد بررسی قرار دهند. آدمی نسبت به قوای ادراکی مسئول خواهد بود و مورد بازخواست قرار خواهد گرفت. شنیدن هر کلامی مؤثر بر باطن و روحیه انسان است، که یا برای او مفید و یا سبب ویرانی وی خواهد شد مسئولیت‌های انسان راجع به این قوا به خاطر آن است که سخنانی را که انسان بدون علم و یقین می‌گوید یا از افراد غیرموقوث شنیده و یا اینکه از اساس دروغ است و سبب می‌شود که گاهی در تفکر خود دچار قضاوت‌های بی‌مأخذ و بی‌پایه شود که با واقعیت منطبق نبوده است، به همین دلیل است که از چشم و گوش و فکر و عقل او، بلکه صاحب این اعضا سؤال خواهد شد که آیا واقعاً شما به این مسائل ایمان داشتید که شهادت دادید، یا قضاوت کردید، یا آن را باور کردید و طبق آن عمل نمودید؟! یکی از نمونه‌های بارز چنین سخنان نفی غیب و ماوراءالطبیعه است که تنها مبتنی بر استبعاد است.

۷-۵. سخنان ناآگاهانه و وجه شناختی سمع

یکی از مهم‌ترین وجوه کاربرد «سَمْع» در قرآن، نقش آن به عنوان ابزاری برای کسب شناخت و علم است. عملکرد انسان در مسیر هدایت یا ضلالت، رابطه‌ای مستقیم با نوع شناخت او از امور

تحقیق، هر سخنی را از منافقان می‌پذیرند و تحت تأثیر آن قرار می‌گیرند. این تفسیر بر مسئولیت انسان در برابر انتخاب مسموعات و ضرورت تحلیل عقلانی آن‌ها تأکید دارد (مکارم، ۱۳۷۱، ج ۷، ص ۴۳۵).

• جاسوسان: برخی دیگر از مفسران این عبارت را به معنای کسانی دانسته‌اند که برای منافقان جاسوسی می‌کردند و اخبار درون سپاه را به بیرون منتقل می‌نمودند. در این حالت، «سمع» به معنای شنود و کسب اطلاعات نهانی برای اهداف مخرب است.

این آیه، مؤمنان را از خطر وجود افراد ساده‌لوح یا جاسوس در جامعه برحذر می‌دارد و بر لزوم هوشیاری در برابر هر نوع مسموعات فتنه‌انگیز تأکید می‌کند.

۷-۳-۲. الگوی رفتاری در مواجهه با مسموعات منافقان

قرآن، در آیه ۴ سوره منافقون، الگوی رفتاری در مواجهه با مسموعات مخرب را از طریق توصیف منافقان و نحوه برخورد پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) ارائه می‌کند. **(وَ إِذَا رَأَيْتَهُمْ تُعْجِبُكَ أَجْسَامُهُمْ وَ إِن يَبُولُوا تَسْمَعُ لِقَوْلِهِمْ كَأَنَّهُمْ خُشْبٌ مُّسْنَدٌ يَحْسُبُونَ كُلَّ صَيْحَةٍ عَلَيْهِمْ هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرْهُمْ قَاتِلَهُمْ أَنَّى يُؤْفَكُونَ)** (منافقون: ۴/ ۶۳)؛ «و چون آنان را ببینی، جسم و ظاهرشان تو را به شگفت می‌آورد و اگر سخن بگویند، به گفتارشان گوش فرا می‌دهی، [اما] گویی آنان چوب‌های تکیه داده شده‌اند.»

در این آیه، «سمع» (گوش دادن) در کنار «رؤیت» (دیدن) به عنوان دو ابزار شناخت ظاهری معرفی شده‌اند. ظاهر آراسته و سخنان جذاب منافقان، در نگاه اول، انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد، اما قرآن آن‌ها را به «چوب‌های تکیه داده شده» (خشب مسنده) تشبیه می‌کند. از نظر لغوی خشب به معنای چوب و مسنده به معنای تکیه داده شده است. تعبیر منافقان به چوب به این جهت هم‌معنا شده است که در شب بدون صدا و در روز سروصدا ایجاد می‌کنند (فراهیدی، ج ۴، ص ۱۷۲؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۳۵۲؛ ابن‌اثیر، ۱۹۷۹م، ج ۵، ص ۷۱؛ ابن‌درید، ۱۹۸۷، ج ۱، ص ۱۷۲). وجه تشبیه خشب مسنده برای منافقان به دلیل عدم‌خردورزی و متکی بودن به دیگران برای تحلیل کردن است به همین جهت چوب تکیه داده شده بر دیوار استعمال شده است (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۹، ص ۱۲۵). چوب‌های کهنه و پوسیده زمانی توان ایستادن را دارند که به دیوار تکیه داده شده باشند (صادقی‌تهرانی، ۱۴۱۹، ص ۵۵۴). این تعبیر، به وضوح نشان‌دهنده توخالی بودن و فقدان

أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ الْإِلَهَهُ هَوْنَهُ وَ أَصْلَهُ ۗ عَلَىٰ عِلْمٍ وَ خَتَمَ عَلَىٰ سَمْعِهِ وَ قَلْبِهِ وَ جَعَلَ عَلَىٰ بَصَرِهِ عَشَاوَةً ۗ فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدٍ ۗ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ (جاثیه: ۲۳/۴۵)؛ «ای رسول ما) آیا می‌نگری آن را که هوای نفسش را خدای خود قرار داده و خدا او را دانسته (و پس از اتمام حجت) گمراه ساخته و مهر (قهر) بر گوش و دل او نهاده و بر چشم وی پرده ظلمت کشیده؟ پس او را بعد از خدا دیگر که هدایت خواهد کرد؟ آیا متذکر این معنی نمی‌شوید؟» از امام صادق (علیه‌السلام)، روایت شده که از هوای نفس خودتان برحذر باشید، همان‌طور که از دشمنان خودتان می‌ترسید؛ چراکه چیزی برای انسان‌ها دشمن‌تر از پیروی از هوای نفس و محصولات زبان نیست (مفید، ج ۲، ص ۳۳۵).

انسانی که به شنیده‌های نفسانیش ترتیب اثر می‌دهد، توانایی تشخیص حقیقت را نخواهد داشت. این افراد همانند نابینایان و ناشنوایانی هستند که قوای ادراک خود را از دست داده‌اند و طبعاً هدایت این افراد ناممکن است؛ حتی پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) هم در شنوندن این اشخاص ناتوان است؛ زیرا کسی که نمی‌خواهد بشنود را نمی‌توان شنوا کرد. گمراهی اینان بسیار آشکار است و توانایی شنیدن و درک آیات الهی را نخواهند داشت: (أَفَأَنْتَ تُسْمِعُ الصُّمَّ أَوْ تَهْدِي الْأَعْمَىٰ وَ مَنْ كَانَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ) (زخرف: ۴۳/۴۰)؛ «آیا تو این کران را سخنی توانی آموخت یا این کوران (باطن) و آن را که دانسته به گمراهی می‌رود هدایت توانی کرد؟»

تبعیت از هوای نفس در منابع لغوی این‌گونه معنا شده است: «تبع» به معنای پیروی و اطاعت است، خواه محسوس باشد یا نامحسوس (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۲۶۵). در تبعیت، مهم دنباله‌روی است چه فکری و چه عملی. اتباع بر وزن افتعال پیروی با اختیار و اراده معنا می‌دهد (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱، ص ۳۷۷). «هوی» فرود آمدن و سقوط از سمت بالا به پایین است و میل نفس تعبیر شده است؛ بنابراین هوای نفس، آنچه که نفس به آن میل و علاقه دارد معنا کرده‌اند؛ ترکیب این واژگان بیشتر در موارد مذموم به کار می‌رود. به خواهش‌های نفس که انسان را به عذاب الهی سوق می‌دهد، هوای نفس گفته می‌شود (راغب، ۱۴۱۲ق، ص ۸۴۹؛ قرشی، ۱۳۷۱، ج ۷، ص ۱۷۱-۱۷۲؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۴۸۲).

بنابر نظر علما، هوای نفس یعنی انسان فرمان خدا را رها کرده و به دنبال خواست دل و هوای نفس خود برود و اطاعت آن را بر اطاعت حق تعالی، مقدم دارد، این همان پرستش هوای نفس

دارد؛ و «سَمْع» در کنار «بَصَر» و «فُؤَاد»، قوای ادراکی سه‌گانه انسان را تشکیل می‌دهند که در برابر آنچه دریافت می‌کنند، مسئول هستند. خداوند متعال در آیه ۳۶ سوره اسراء به این مسئولیت بزرگ اشاره می‌کند و می‌فرماید:

(وَ لَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَ الْبَصَرَ وَ الْفُؤَادَ كُلُّ أُولَٰئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا) (اسراء: ۱۱۷/۳۶)؛ «و از آنچه بدان علم نداری، پیروی مکن، چراکه گوش و چشم و دل، هر یک مورد سؤال قرار خواهند گرفت.»

این آیه، با قرار دادن «سمع» در ردیف ابزارهای اصلی شناخت، به طور ضمنی تذکر می‌دهد که مسموعات بدون علم و حجت، قابل پذیرش و پیروی نیستند. مسئولیت انسان در برابر این قوا به آن دلیل است که گاهی سخنان بدون دلیل و یقین، یا از منابع غیرموثق، شنیده می‌شود که با واقعیت منطبق نیستند. پیروی از چنین مسموعاتی، انسان را به سوی قضاوت‌های بی‌اساس سوق می‌دهد و او را در معرض گمراهی قرار می‌دهد.

براساس تبیین‌های تفسیری، این اصل در برابر سخنان ناآگاهانه و فاقد پشتوانه علمی نیز کاربرد دارد. یکی از مصادیق بارز چنین سخنانی، نفی حقایق غیبی و ماوراءالطبیعی است که تنها براساس استبعاد و جهل صورت می‌گیرد. قرآن کریم، با تأکید بر مسئولیت قوای ادراکی، انسان را از پیروی کورکورانه از مسموعاتی که مبنای علمی و برهانی ندارند، برحذر می‌دارد و بر لزوم هوشیاری در برابر هر آنچه می‌شنود، تأکید می‌کند. در حقیقت، انسان در برابر هر آنچه از طریق گوش خود وارد ذهن و قلبش می‌کند، مسئول خواهد بود و در قیامت مورد بازخواست قرار خواهد گرفت.

۶-۷. القاءات نفسانی

خواهش‌های نفسانی از جمله مسموعاتی است که تبعیت حاصل از شنیدن آن سبب ضلالت و هلاکت انسان خواهد شد. مسموعاتی از جنس هوای نفس، مانند وساوس شیطانی و یا القاءات نفسانی که در ذهن و دل شنیده می‌شود. خداوند متعال شنیدن و تبعیت از این نوع مسموعات را برای انسان ممنوع کرده است؛ زیرا به تعبیر قرآن سبب مهر نهادن بر سمع و قلب و بصر خواهد بود. در قرآن عدم تشخیص حق و باطل با تعبیر مهر نهادن خداوند بر ابزار درک و دانایی نام برده می‌شود. از موانع اثرگذاری شنیدن و توانمندی این قوا، تبعیت از خواهش‌های نفسانی است:

بَعْدَ ۞ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ) (جائیه: ۴۵ / ۲۳)؛ «آیا کسی که هوای نفسش را معبود خود گرفته دیدی؟ و خدا او را با وجود دانشش گمراه ساخته و بر گوش و قلبش مهر نهاده و بر چشمش پرده‌ای قرار داده است؛ پس چه کسی غیر از خدا می‌تواند او را هدایت کند؟ آیا متذکر نمی‌شوید؟»

این آیه به صراحت نشان می‌دهد که «ختم بر سمع» نتیجه پیروی آگاهانه انسان از هوای نفس است. در واقع، انسان با اختیار خود و با گوش سپردن به القآت نفسانی، راه را بر دریافت حقیقت از طریق گوش می‌بندد و توانایی شنیدن آیات الهی را از دست می‌دهد. این افراد، مانند ناشنویان و نابینایان معنوی هستند که حتی پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) نیز در هدایت آنان ناتوان است، زیرا کسی که نمی‌خواهد بشنود، هرگز شنوا نخواهد شد: (أَفَأَنْتَ تُسْمِعُ الصُّمَّ أَوْ تَهْدِي الْعُمْيَ وَمَنْ كَانَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ) (زخرف: ۴۰ / ۴۳)؛ «آیا تو می‌توانی کران را شنوا کنی، یا کوران و کسی را که در گمراهی آشکار است، هدایت نمایی؟»

این ختم بر سمع و قلب، نشان می‌دهد که قوای ادراکی انسان، ابزارهای صرفاً فیزیکی نیستند، بلکه عملکرد آن‌ها ارتباطی مستقیم با اراده و جهت‌گیری معنوی انسان دارد.

• ارتباط سمع با معرفت الهی

پیروی از هوای نفس، انسان را از مسیر معرفت دور می‌کند؛ در مقابل، تصفیه نفس و دوری از خواسته‌های نفسانی، راه را برای دریافت علم و حکمت باز می‌کند. بنابر نظر علماء، هوای نفس یعنی انسان فرمان خدا را رها کرده و به دنبال خواست دل و هوای نفس خود برود و اطاعت آن را بر اطاعت حق تعالی، مقدم دارد، این همان پرستش هوای نفس است. تصفیه نفس، اخلاص، دور کردن هوا و هوس دو اثر دارد: اول قلب انسان را صاف می‌کند. دوم علم و حکمت از درون انسان می‌جوشد (مطهری، ۱۳۵۳، ج ۱، ص ۱۸۰).

این حقیقت در حدیث قدسی مشهوری به زیبایی بیان شده است: «كُنْتُ سَمِعَهُ الَّذِي يَسْمَعُ بِهِ...» (مجلسی، ج ۸۴، ص ۳۱). در این روایت، خداوند می‌فرماید: «من گوش او می‌شوم که با آن می‌شنود...» این به آن معناست که انسانی که از هوای نفس پیروی نمی‌کند و قوای ادراکی‌اش را در مسیر اطاعت الهی به کار می‌گیرد، به مقامی می‌رسد که دریافت او از هستی، یک دریافت روحانی و الهی می‌شود. چنین انسانی، حتی پس از مرگ، قوای ادراکی‌اش را از دست نمی‌دهد و با سمع و بصر روحانی، حقایق عالم غیب را درک خواهد کرد.

است. تصفیه نفس، اخلاص، دور کردن هوا و هوس دو اثر دارد: اول قلب انسان را صاف می‌کند. دوم علم و حکمت از درون انسان می‌جوشد (مطهری، ۱۳۵۳، ج ۱، ص ۱۸۰).

انسان اگر به هوای نفس و شیطان گوش دهد و تبعیت کند عاقبتی جز حسرت و ندامت نصیب او نخواهد شد؛ و اگر نیروی خود را صرف اطاعت در راه خدا کند، خداوند نیروی او را به نیرویی روحانی تبدیل می‌کند. یعنی چشم و گوش او چشم و گوش الهی می‌شود. چنین انسانی می‌تواند، کلمات ملائکه را بشنود حتی با مرگش این قوا در او از بین نمی‌رود، همچنین در قبر با سمع و بصر روحانی سؤال و جواب می‌کند. در قیامت و معاد هم با سمع و بصر روحانی می‌بیند و می‌شنود؛ برخلاف کسانی که دارای این سمع و بصر نیستند، کور و کر محسوس می‌شوند. به واسطه این اعطا و عطیه حق تعالی فرموده «كُنْتُ سَمِعَهُ الَّذِي يَسْمَعُ بِهِ...» (مجلسی، ج ۱۰، ص ۳۹۲).

۷-۷. القاءات نفسانی و مسئله ختم بر سمع و قلب

مهم‌ترین مسموعات هلاک‌بخش، القاءات نفسانی و وسوسه‌های درونی هستند که اگر انسان از آن‌ها تبعیت کند، سرانجام به ضلالت و هلاکت می‌رسد. تبعیت از هوای نفس در منابع لغوی این‌گونه معنا شده است: «تبع» به معنای پیروی و اطاعت است، خواه محسوس باشد یا نامحسوس (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۲۶۵). در تبعیت، مهم دنباله‌روی است چه فکری و چه عملی. اتباع بر وزن افتعال پیروی با اختیار و اراده معنا می‌دهد (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱، ص ۳۷۷). «هوی» فرود آمدن و سقوط از سمت بالا به پایین است و میل نفس تعبیر شده است؛ بنابراین هوای نفس، آنچه که نفس به آن میل و علاقه دارد معنا کرده‌اند؛ ترکیب این واژگان بیشتر در موارد مذموم به کار می‌رود. به خواهش‌های نفس که انسان را به عذاب الهی سوق می‌دهد، هوای نفس گفته می‌شود (راغب، ۱۴۱۲ق، ص ۸۴۹؛ قرشی، ۱۳۷۱، ج ۷، ص ۱۷۱-۱۷۲؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۴۸۲).

قرآن کریم این نوع مسموعات را آن‌چنان خطرناک می‌داند که تبعیت از آن‌ها را سبب مهر نهادن خداوند بر قوای ادراکی انسان، به‌ویژه سمع و قلب می‌شمارد. این «مهر زدن» یا «ختم»، به معنای از دست دادن توانایی تشخیص حق و باطل است.

این‌گونه است که خداوند در آیه ۲۳ سوره جائیه، به تبعات شوم پیروی از هوای نفس اشاره می‌کند و می‌فرماید: (أَفَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَ اضْلَمَهُ ۞ عَلَىٰ عِلْمٍ وَ خَتَمَ عَلَىٰ سَمْعِهِ وَ قَلْبِهِ وَ جَعَلَ عَلَىٰ بَصَرِهِ غِشَاوَةً فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ

آن‌ها، مؤمنان را از همنشینی با استهزاءکنندگان برحذر می‌دارد. این رویکرد، تفاوتی بنیادین با نوع برخورد با سایر مسموعات هلاک‌بخش (مانند سخنان سوء یا شایعات) دارد که در آن‌ها، راهکار، صبر و تقوا توصیه شده است.

علت این تمایز رفتاری آن است که استهزاء حق، رفتاری است که از یک بیماری درونی، یعنی کفر و نفاق، سرچشمه می‌گیرد. انسان کافر، به‌جای اینکه از آیات الهی هدایت بگیرد، با تمسخر به آن‌ها واکنش نشان می‌دهد. در نتیجه، گوش دادن به چنین سخنانی، حتی به صورت غیرفعال و بدون مشارکت، می‌تواند به تدریج قلب و روح انسان را به سمت نفاق سوق دهد. خداوند متعال در این باره هشدار جدی می‌دهد:

(وَ قَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ أَنْ إِذَا سَمِعْتُمْ آيَاتِ ۞ يُكْفَرُ بِهَا وَيُسْتَهْزَأُ بِهَا فَلَا تَقْعُدُوا مَعَهُمْ حَتَّىٰ يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ إِنَّكُمْ إِذَا مِثْلُهُمْ إِنَّ ۞ جَامِعِ الْمُنَافِقِينَ ۞ وَ الْكَافِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعًا) (نساء: ۴/ ۱۴۰)؛ «و به تحقیق در قرآن بر شما نازل کرده که چون بشنوید آیات خدا مورد کفر و استهزاء واقع می‌شود، پس با آنان منشینید تا در سخنی دیگر وارد شوند، که در غیر این صورت، شما نیز مانند آنان خواهید بود. به درستی که خداوند منافقان و کافران را در جهنم گرد می‌آورد.»

این آیه به صراحت بیان می‌کند که «شنیدن» استهزاء حق، فرد را به دلیل نوعی همراهی و پذیرش غیرمستقیم، در ردیف استهزاءکنندگان قرار می‌دهد. این امر نشان می‌دهد که در نظر قرآن، گوش سپردن به سخنان کفرآمیز، خود یک عمل است و می‌تواند زمینه‌ساز کفر باطنی شود. از این رو، یکی از مهم‌ترین امور برای افراد طالب هدایت، رعایت و مراقبت از شنیدنی‌های خود است (مصباح یزدی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۲۹). این مسئله، نشان می‌دهد که چرا در مواجهه با برخی مسموعات، انسان‌ها عملکرد درستی از خود نشان نمی‌دهند؛ زیرا این عملکرد، ریشه در کفر نهفته در قلب دارد و گوش سپردن به این سخنان، تنها آن را تقویت می‌کند.

۷-۸. استهزاء حق

خداوند از همنشینی و هم‌کلامی با کسانی که استهزاءکنندگان آیات قرآن هستند، انسان را نهی کرده است. از مسموعات و شنیدنی‌های مضر و بی‌فایده، گوش سپردن به حرف‌های لغو و مسخره است. شرکت در چنین مجالسی هرچند خود انسان هیچ مشارکتی در آن نداشته باشد و سخن نگوید، به تدریج بر قلب و روح او اثر سوء می‌گذارد. به‌ویژه اگر در جلسه‌ای مطالب و سخنان گمراه‌کننده و شبهه‌افکن نقل شود، باید جداً از نشستن در آنجا، خودداری کرد. قرآن کریم در این زمینه هشدار جدی می‌دهد و می‌فرماید: (وَ قَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ أَنْ إِذَا سَمِعْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ يُكْفَرُ بِهَا وَيُسْتَهْزَأُ بِهَا فَلَا تَقْعُدُوا مَعَهُمْ حَتَّىٰ يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ إِنَّكُمْ إِذَا مِثْلُهُمْ إِنَّ اللَّهَ جَامِعُ الْمُنَافِقِينَ وَ الْكَافِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعًا) (نساء: ۴/ ۱۴۰)؛ «و محققاً خداوند در کتاب خود این حکم را بر شما فرستاد که چون آیات خدا را شنیدید که بدان کافر شوند و استهزاء کنند پس با آن گروه (منافق) مجالست نکنید تا در حدیثی دیگر داخل شوند، که (اگر با آنان همنشین شوید) آن‌گاه شما هم مانند آنان هستید. و خدا منافقان را با کافران در جهنم جمع خواهد کرد». حضور در چنین مجالسی و گوش دادن به چنین سخنانی، در نهایت اگر به کفر ظاهری نینجامد به نفاق و کفر باطنی منجر خواهد شد. از این رو، یکی از مهم‌ترین اموری که افراد طالب هدایت باید به آن توجه کنند، رعایت و مراقبت از شنیدنی‌ها است (مصباح یزدی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۲۹).

۷-۹. استهزاء حق و مسئولیت شنیدن

یکی از خطرناک‌ترین مسموعات هلاک‌بخش، سخنان مبتنی بر استهزاء و تمسخر آیات الهی است. این گونه مسموعات، از یک بیماری درونی، یعنی کفر و نفاق، سرچشمه می‌گیرند و به همین دلیل، قرآن کریم با نگاهی عمیق به تأثیرات روانی و معنوی



نمودار ۳. مسموعات هلاک‌بخش

نتیجه‌گیری

تحلیل مضمونی آیات قرآن کریم نشان می‌دهد که «سمع» و مسموعات، نقشی بنیادین و سرنوشت‌ساز در هدایت‌پذیری انسان ایفا می‌کنند. این پژوهش، مسموعات را به دو دسته اصلی «نجات‌بخش» و «هلاک‌بخش» تقسیم می‌کند و بر این حقیقت تأکید می‌ورزد که شنیدن یک عمل صرفاً فیزیکی و منفعل نیست، بلکه فعلی آگاهانه و مسئولیت‌آور است که قوای ادراکی انسان را به طور مستقیم تحت تأثیر قرار می‌دهد.

مسموعات نجات‌بخش، شامل آیات وحیانی، اخبار گذشتگان و تسبیح تکوینی مخلوقات، بستری برای بیداری قلب و رشد معرفت فراهم می‌آورند. در این چارچوب، «سمع» حقیقی تنها با «تعقل» و «تفکر» محقق می‌شود و انسان را قادر می‌سازد تا حتی از پدیده‌های بصری (مانند سیر در زمین) پیامی معنوی دریافت کند.

در مقابل، مسموعات هلاک‌بخش، همچون سخنان سوء، شایعه، القائات نفسانی و استهزاء حق، روح و روان انسان را آلوده ساخته و او را از مسیر هدایت دور می‌کنند. قرآن کریم، با ارائه الگوهای رفتاری متفاوت، راه مواجهه صحیح با این مسموعات را تبیین می‌نماید: از «صبر و تقوا» در برابر سخنان آزاردهنده تا «پرهیز کامل» از همنشینی با استهزاءکنندگان.

نهایتاً، قرآن با تأکید بر مسئولیت قوای ادراکی (سمع، بصر و فؤاد)، یادآور می‌شود که تبعیت از مسموعات باطل، به‌ویژه هوای نفس، می‌تواند به «ختم» بر گوش و قلب منجر شود که به معنای از دست دادن کامل توانایی درک حقیقت است. بدین‌سان، سرنوشت معنوی انسان در گرو این است که چه چیزی را می‌شنود و چگونه به آن واکنش نشان می‌دهد.

References

The Holy Quran with Ali Meshkini's translation
 Abu Bakr, Muhammad ibn Hasan. Jamharat al-Lughah. Mashhad: Majma' al-Buhuth al-Islamiyah. 1428 AH.
 Abu Hilal, Askari. Furuq al-Lughah. Qom: Mu'assasat Nashr al-Islami. 1412 AH.
 Amidi, Sayf al-Din. Al-Mubin fi Istilhat al-Hukama' wa al-Mutakallimin. Edited by Abd al-Amir al-A'sam. 2nd edition. Cairo: Al-Hay'ah al-Misriyah. 1989.

Barden, Lawrence. Content Analysis. (Mohammad Yamin Douzi-Sarkhabi, Maliheh Ashtiani, translator). Tehran: Shahid Beheshti University. 1374.
 Dekhoda, Ali Akbar. Loghatnameh Dekhoda. 2nd edition. Tehran: University of Tehran Press and Publication Institute. 1377.
 Farahidi, Khalil ibn Ahmad. Al-Ayn. 2nd edition. Qom: Hijrat. 1410 AH.

- Ibn al-Athir, Jazari. *Al-Nihayah fi Gharib al-Hadith wa al-Athar*. 4th edition. Qom: Isma'iliyan. 1367.
- Ibn Faris, Qazvini. *Maqayis al-Lughah*. Publisher: Dar al-Fikr. 1399.
- Ibn Manzur, Muhammad ibn Mukarram. *Lisan al-Arab*. 3rd edition. Beirut: Dar al-Sadir. 1414 AH.
- Islamic Research Foundation. *Sharh al-Mustalahat al-Kalamiyah*. Mashhad: Astan Quds Razavi. 1415 AH.
- Karimi, Abbas. "The Rule of Inadmissibility of Hearsay Evidence and its Exceptions in the Common Law System with a Comparative Look at Iranian Law." *Quarterly Journal of Private Law Studies*, No. 1, pp. 215-233. Khordad 1388.
- Khatami, Ahmad. *Farhang-e Ilm-e Kalam*. Tehran: Saba. 1370.
- Krippendorff, Klaus. *Content Analysis Methodology Fundamentals*. (Houshang Naebi, translator). 8th edition. Tehran: Nashr-e Ney. 1383.
- Kuhn, Dark. *Theoretical Foundations of Archaeology*. Tehran: University Publishing Center. 1393.
- Kulayni, Muhammad ibn Ya'qub. *Al-Kafi*. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyah. 1365.
- Makarem Shirazi, Naser. *Tafsir Nemuneh*. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyah. 1374.
- Mesbah Yazdi, Mohammad Taqi. *Rastgaran*. (Mohammad Mahdi Naderi Qomi, compilation and writing). Qom: Imam Khomeini (RA) Educational and Research Institute Publications. 1388.
- Mirzababaei, Seyyed Mahdi. "Conceptual Metaphor of Hearing and Ear in Quranic Verses." *Zehn Journal*, No. 72, pp. 67-88. 1396.
- Moharrami, Ruqayyah. *Semantics of the Word "Sam" in the Quran and its Reflection in the Conduct of the Infallibles (peace be upon them)*. (Master's Thesis). Faculty of Quranic Sciences and Hadith. University of Ma'arif Quran and Itrat, 1393.
- Motahari, Morteza. *Spiritual Freedom*. 52nd edition. Qom: Sadra. 1390.
- Qurtubi, Muhammad ibn Ahmad. *Al-Jami' al-Ahkam al-Quran*. Tehran: Naser Khosrow. 1364.
- Qushayri, Abd al-Karim ibn Hawazin. *Lata'if al-Isharat*. 3rd edition. Egypt: Al-Hay'ah al-Misriyah al-Amilah lil-Kitab. Undated.
- Raghib Isfahani, Husayn Muhammad. *Al-Mufradat fi Gharib al-Quran*. Edited by Safwan Adnan Dawudi. Beirut: Dar al-Ilm al-Shamiyah. 1412 AH.
- Rajab Shalgehi, Zahra. *Aesthetics of Quranic Pauses of Hearing and Sight*. (Master's Thesis). Faculty of Foreign Languages. University of Kurdistan. 1395.
- Rezaei Isfahani, Mohammad Ali. *Shamim-e Mehr*. 2nd edition. Qom: Tafsir and Quranic Sciences Research. 1385.
- Sadeghi Tehrani, Mohammad. *Al-Balagh fi Tafsir al-Quran*. Qom: Author. 1419 AH.
- Sajjadi, Seyyed Ja'far. *Farhang-e Istilahat-e Falsafiyeh Mulla Sadra*. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance. 1379.
- Sherkat, Fatemeh. *Semantics of "Sam" in the Holy Quran*. (Master's Thesis). University of Isfahan. 1390.
- Tabarsi, Abu Ali Fadl ibn al-Hasan. *Tafsir Majma' al-Bayan*. Lebanon: Mu'assasat al-A'lami lil-Matbu'at. 1415 AH.
- Tabataba'i, Seyyed Mohammad Hossein. *Al-Mizan fi Tafsir al-Quran*. (Seyyed Mohammad Baqir Musavi Hamadani, translation). 5th edition. Qom: Islamic Publications Office of the Society of Seminary Teachers of Qom. 1374.